

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

www.afsaran.ir

سال دوم - شماره نوزدهم

سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۳



شبهایی که جهان بسان غزه خواب ندارد

غرب وحشی

چرا رهبری باید دخالت کند؟

منش فرهنگی و سیاسی شیعه

مصاحبه با مدیر افسران  
حجت ملکی



دلنوشته ای از:  
sepehra

# برای حضرت بائرا

ماه خدا که از پس ابرهای آسمان پدیدار می شود  
در پی پیوندِ سحر، تا آن سوی مرز خورشید،  
هزاران فرشته می درخشند...  
فرشته ها نور در نور، با بالهای رنگین کمانی پر گشوده اند...  
تا از انتهای ابدیت، ستارگان زمین را رصد کنند...  
ستاره هایی که، بر سر سفره های افطار و سحر...  
در ربناهای پر از شور و اثر...  
و در ختم های مصحف شریف هر روزه برای سلامتی دلبر...  
در دلشان، آرزویی جز طلوع خورشید روی تو نیست...  
کسی چه میداند؛ شاید همین روزها تو بیایی  
و این ضیافتِ مهربانی؛ آغاز راه ما شدن باشد...  
کاش این شب قدر، همان آخرین شب قدر انتظارها باشد...  
همان شبی که آمدن تو، در آن مقدر می شود؟  
و خدا می داند که چقدر،  
قدرها، آمده اند و رفته اند بی حضور (ظهور) تو...  
و تو، نا امید از دعاها و خالص و پاک،  
چشم های مبارکت را دوخته ای به اوج افلاک...  
و دعا کردی که بیایی... فقط برای درمان دردهای اهل خاک...

## فهرست

- ۲ ..... برای حضرت باران
- ۴ ..... سرمقاله
- ۵ ..... کلام امام
- ۶ ..... کدام توافق؟ کدام برد؟
- ۷ ..... اینفوگرافی: مبارزه، رمز ماندگاری
- ۸ ..... چرا رهبری باید دخالت کنند؟
- ۹ ..... تصاویر مذاکرات وین
- ۱۰ ..... آدرس غلط
- ۱۱ ..... ولایت بدون سانسور
- ۱۲ ..... نگارستان
- ۱۳ ..... غرب وحشی
- ۱۵ ..... شبهایی که جهان به سان غزه خواب ندارد
- ۱۶ ..... جریان شناسی رسانه (روزنامه رسالت)
- ۱۷ ..... منش فرهنگی و سیاسی شیعه
- ۱۸ ..... حوریانی پرده نشین در خیمه ها
- ۱۹ ..... کلیپ های تصویری
- ۲۰ ..... وصیتنامه یک شهید
- ۲۱ ..... خاکیان افلاکی (خواستگاری)
- ۲۲ ..... بهائیت در ایران
- ۲۴ ..... روز قدس در جهان اسلام
- ۲۵ ..... تصاویر راهپیمایی های روز قدس
- ۲۶ ..... کلیپ های صوتی
- ۲۷ ..... مصاحبه با یک مولتی یوزر
- ۲۸ ..... صفحه تولیدات طنز
- ۲۹ ..... اخبار افسران
- ۳۰ ..... داستانتک
- ۳۱ ..... اینفوگرافی (حرفی برای تمام فصول)
- ۳۲ ..... مصاحبه با مدیر افسران
- ۳۷ ..... احکام
- ۳۸ ..... اشعار افسرانی
- ۳۹ ..... برگی از بهشت
- ۴۰ ..... دلنوشته



Baran ..... سردبیر

Arezou ..... همکاران این شماره

Afsarejavan  
Alitanhha  
Azadandish  
Baran  
Ghalandar  
Hamase  
Infoshahmad  
Mahdiyar85  
Mahdiyar7  
Miladps3  
Mim. z  
Matinemami  
Parvaz77  
Parasto  
Radiomoghat  
Sepehra  
Setia  
Shiaart

Salman56 ..... نویسندگان افتخاری

Senator0011

Miladps3 ..... گروه طراحی

Shiaart  
Nahaq

nashrie\_afsaran@mihanmail.ir : رایانامه  
nashriye-afsaran.mihanblog.com : وبلاگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## جام جنایت جهانی!!!

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا  
وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و خدا را فراوان یاد کردند و چون مورد ستم واقع شدند انتقام گرفتند و ستمکاران به زودی خواهند دانست که به چه مکانی باز می گردند»

به نظر می رسد افرادی که چند دهه پیش برای نشاط جامعه بشری و ورزش کردن، جام جهانی فوتبال را بنیان گذاشتند امروز اگر زنده می بودند از کرده خود پشیمان می شدند درست همانند انیشتین که نظریه اش خرج ساخت بمب اتم توسط آمریکا شد و همین شد که خود در صف اول مبارزه با سلاح هسته ای پیوست .

سر هم کردن این پازل کار چندان سختی نیست ،جای دور نرویم در سال ۱۹۹۸ جام جهانی در بحبوحه جنگ اسرائیل و لبنان بر گزار شد تا قصاب بزرگ ،شارون به جنایتش ادامه دهد . سال ۲۰۰۲ مردم سرگرم تماشای جام جهانی بودند و امریکا و متحدان در افغانستان ، سرگرم مبارزه با تروریسم (همان فرزندخوانده خودشان )و دلانان یهودی سرگرم تجارت انسان ! سال ۲۰۰۶ که به خاطر داریم مزه شیرین شکست اسرائیل از مقاومت لبنان را و مزه تلخ جنایت قانا را ، سال ۲۰۰۹ جنگ ۲۲ روزه اتفاق افتاد و در سال ۲۰۱۲ اندکی بعد از المپیک جنگ ۸ روزه و اکنون در سال ۲۰۱۴ جنگ دیگری به پا کردند .

همانطور که از شواهد پیداست به علت بیداری و ابراز انزجار مردم آگاه در سرتاسر جهان از جنایت اسرائیل و مظلومیت مردم فلسطین ، ایالات متحده زمانی که نظر مردم جهان به رویدادی خاص متمرکز شده (مثل جام جهانی ) به فرزند نامشروع خود در غرب اسیا (یعنی اسرائیل ) اجازه جنایت می دهد تا بلکه شیخ نشین های خلیج فارس خیال خام برشان ندارد که به سمت ایران متمایل شوند و همچنان مبهوت قدرت پوشالی ارتش اسرائیل شوند ، همان ارتشی که در ۶ روز ۶ کشور عربی را شکست داد .

مردم جهان از گل های مسی لذت می برند و از کمر شکسته نیمار ناراحت اند و اشک می ریزند ، اما دریغ از یک قطره اشک برای حسین ابو خضیر ! هفتایی شدن برزیل خیلی بهت آورتر از شنیدن زنده زنده سوزاندن این نوجوان ۱۷ ساله است ، مهم تر از شنیدن ذبح کردن های داعش در عراق و سوریه است و کجاست آن ابر مرد تاریخ که به اجداد همین مردمان در کوفه و الانبار بگوید اگر خلخال از پای زنی یهودی در آورند و مرد مسلمانی بشنود و دق کند و بمیرد من از او خرده نمی گیرم .

اینهمه شاهد برای جنایت استکبار در فلسطین ، در عراق ، در یمن ، پاکستان و افغانستان ، در نیجریه بوکوحرام را می آورند و در سودان و اتیوپی مسلمانان را بدون هزینه ، با گرسنگی می کشند و در افریقای مرکزی مسلمانان را قصابی می کنند و عده ای هنوز در تشخیص حق در مانده اند !

هنوز یادمان شعار نرفته «نه غزه نه لبنان» اذناستکبار را ، همان ها که اگر مرزهای کشور تهدید شود پاسپورت و گرین کارت به دست فرار می کنند و همان «هم غزه و هم لبنان» ی ها از کشور دفاع خواهند کرد.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

و ما در زبور پس از تورات نوشته ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد

نویسنده : hamase

# کَلِمَاتٌ مِّنْ جِلْدِكَ



۵



پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد.»  
آبان ۹۲

«بعضی از مسئولین و دولتمردان - دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت - فکر میکنند در قضیه‌ی هسته‌ای ما با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم من خوشبین نیستم؛ مخالفتی نمیکنم اما خوشبین نیستم. ببینید مرتب پی‌درپی اظهارات سخیف آمریکایی‌ها را؛ سناتور بی‌آبروی آمریکایی از صهیونیست‌ها پول میگیرد تا برود در مجلس سنای آمریکا به ملت دشنام صریح بدهد، نه اینکه اهانت کند؛ دشنام میدهد. رؤسای کشورشان هم همین جور، در سطوح مختلف به ملت ایران [اهانت کند]»

بهمن ۹۲

جمع آوری توسط: afsarejavan

ملتی است که تصمیم گرفته مستقل باشد، زیر بار ظلم نرود و ظالم را افشا کند و این پیام را به همه ملت‌ها نیز بدهد که این کار را انجام داده است و بیشتر هم انجام خواهد داد.»

اسفند ۹۰

«اگر لجبازی آنها نبود، موضوع هسته‌ای براحتی حل میشد. بارها تا لحظه‌ی حل پیش رفتیم، امضاء کردند، آژانس هسته‌ای امضاء کرد؛ قبول کرد که این اشکالاتی که وجود داشته، برطرف شده - اینها موجود است، اینها سند است؛ اینها که قابل انکار نیست - خب باید قضیه تمام میشد، پرونده‌ی هسته‌ای کشور باید پایان پیدا میکرد. آمریکایی‌ها بلافاصله یک چیز جدید را مطرح کردند، آوردند وسط. نمیخواهند قضیه تمام شود.»

تیر ۹۲

« بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمیکنم [از] این مذاکرات، آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ  
مِلَّتَهُمْ (بخشی از آیه ۱۲۰ بقره)  
و هرگز یهود و نصاری از تو خشنود نمی‌شوند تا  
از آیین آنان پیروی کنی

«آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند که تولید بمب اتم در ایران افسانه است و هیچ واقعیتهایی ندارد. آنها در واقع از شکل گرفتن ایران قدرتمند مستقل اسلامی، پیشرفته و برخوردار از فن‌آوری‌های مدرن نگرانند و سعی می‌کنند با جار و جنجال، راه پیشرفت ملت ایران را سد کنند و این کشور را همیشه نیازمند خود نگه دارند... انرژی هسته‌ای فقط بهانه است. اگر این بهانه هم نباشد، آمریکایی‌ها برای توطئه‌چینی بر ضد ملت ایران، مسائل دیگری همچون حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر را بهانه می‌کنند.»

فروردین ۸۴

« تحریم‌ها از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشته است، در حالی که موضوع هسته‌ای، مربوط به چند سال اخیر است، بنابراین مشکل اصلی آن‌ها،

# کدام توافق؟! کدام بُرد؟!



## توافق برد - برد معنا ندارد

وقتی رئیس جمهور کاسه بندزن ها و سد سازها و مهندسين عمران و معماری را به تحدى دعوت کرد و موضوع تحریم ها را با کاسه شکسته و ساختمان در حال فرو ریختن و ترک برداشتن سد تشبیه می کند کمی مشکوک میشوم به اینکه چه شد تحریم های ۳۵ ساله با مذاکرات ۱۰ ساله در مدت ۶ ماه متزلزل شد؟!

نه حقوقدان هستم و نه قهرمان دیپلماسی و نه دیپلمات اما معنای کلام و واژه ها رو خوب می فهمم. مقدمات و اصل توافقنامه ایران با ۱+۵ در موضوع صنعت هسته ای ایران، دارای وجوه بسیاری است که هر کس به مناسبت به آن پرداخته اما برای فردی که سیاسی و سیاسی نویسنده نیست چالشهای ذهنی زیادی را ایجاد کرده.

مدتی قبل رایان کاستلو، کارشناس مسائل ایران و امریکا، در آخرین تحلیل خود اظهار داشت:

اگرچه گفتگوها پیرامون مناقشه ای هسته ای ایران در ظاهر فنی است اما در حقیقت این مسئله کاملاً سیاسی بوده و به همین دلیل، توافق برد - برد در آن معنا ندارد... و بُرد هر کدام از طرفین، قطعاً شکست طرف مقابل خواهد بود ...!

## توافق

اصطلاح توافق، اسم مصدر (عربی) در فرهنگ لغات به معنی «اتفاق کردن در رأی» و «مطابق و سازگار شدن با رأی طرف مقابل» است...

تا اینجا مشکلی با توافق نامه هسته ای ندارم و توافقنامه با توجه به ضمانت ها، الزامات و تعهدات به معنای حقیقی کلمه به معنی اتفاق کردن در یک رأی و مطابق و سازگار شدن با رأی طرف مقابل بوده . اما وقتی تناقض گویی طرفین را در دستاورد های توافقنامه کذایی می بینم معانی توافق دچار لغزش می شود و در حد یک عهدنامه تنزل پیدا می کند و تبدیل به یک ضمانت یک طرفه و سر سپردن به نظریه و آراء طرف مقابل مذاکره می شود. چرا؟! ...!

## برد برد

در مذاکره تجاری، تفکر تاجر ماهر اینطوره که در یک معامله، همیشه اول باید دنبال رسیدن به یک منفعت شخصی بود و در آخر به فکر سود طرفینی تا بالاخره به یک سود حداقلی برسیم مانند عقود شرعی مضاربه و جعاله که منفعت طرفینی به شرایط خاص خود لحاظ شده که از ابتداء طرفین معامله حتی بدون توافق نیز هیچ ضرری را متحمل نمی شوند.

اما

وقتی شخصی حقی را از یک نفر تصرف می کند و مانع از نفع شخص شد و ضرر قابل اعتنایی با این تصرف به فرد وارد کرد، باز هم مذاکره برای یک منفعت دوطرفه معنا پیدا می کند؟

با پیوستن رسمی ایران به (آژانس بین المللی انرژی اتمی IAEA) و پذیرفتن معاهدات، تمام حقوق در موضوع هسته ای ایران، از طرف مرجع اصلی رسیدگی به موضوعات هسته ای کشورهای جهان ثابت شده است. چگونه ایران برای رسیدن به حقوق خود در پی یک مذاکره برد - برد است، در حالی که برد طرف متخاصم به معنی ضرر و نرسیدن به حقوق ایران خواهد بود؟!

برد در مذاکرات منفعتی، به معنی رسیدن به سودی که از قبل برای شخص نبوده که در مقابل آن باخت قرار دارد در حالی که در توافقنامه ژنو رسیده به حقوق حداقلی غیر ثابت در مقابل واگذاری حقوق حقه یک ملت به طور کامل بوده. مذاکره برای رسیدن به منافعی که حق شخص محسوب میشه معنایی ندارد چه برسه به این که دنبال یک منفعت طرفینی هم باشیم و در اینجا است که استقامت و مبارزه برای رسیدن حق معنا پیدا میکنه و در آخر نرمش قهرمانانه ...



برگردیم به اظهارات رایان کاستلو، کارشناس مسائل ایران و امریکا که گفته بود: در تئوری، صادرات کالاهای انسان دوستانه به ایران قانونی است اما تحریم های همه جانبه ی اعمال شده تقریباً بر کل بخش بانکی ایران، این کار را یا بسیار دشوار یا در عمل غیرممکن کرده است؛ و این یکی از روشن ترین دلایل برای اثبات این مدعا است که توافقات اینچنینی را نمی توان به معنای بُرد تلقی کرد زیرا چیزی که در ظاهر یک پیروزی برای ایران عنوان می شود پوسته ای خوش نقش ولی بدون محتوای مناسب است! بدین معنی که تحریم ها روی کاغذ برداشته شده یا تخفیف داده شده اند اما در عمل امکان محقق شدن آن وجود ندارد.

## نکته مهم:

اون وقت میان میگن چرا مردم برای باخت سه بر یک تیم ملی ایران توی جام جهانی میریزن بیرون شادی و دست افشانی (رقص) می کنند...؟! خب برادر من از منطق مذاکره استفاده کردن ... هی فکر می کنن بردن!



# چرا رهبری باید دخالت کند؟



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران  
سه شنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۹۳

حقوقی ثابت؛ مشاورات ارزشمندی به آمریکایی ها داده و می دهد؛ آنچنان که روزنامه وال استریت ژورنال نوشت: «با حضور موسویان در آمریکا، پنجره‌های بزرگ از اطلاعات برای آمریکایی‌ها گشوده شده است.»؛ گاهی در می مانم در تصمیم اعتدالیون! که آیا آزموده را، آزمودن رواست؟

از خودم می پرسم چرا رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام؛ این همه بر تطمیع و تهدید دشمن پافشاری کرده و نسبت به سعی دشمن بر تغییر محاسبه ی مسئولین ایرانی هشدار دادند؟ چرا ایشان به دولت هشدار می دهند، فریب شیطان را نخورید و به خدا توکل کنید؟ چرا موکد می گویند: «اشیطان» وعده میدهد، آرژوها را در دل بیدار میکنند، زنده میکنند، یک آینده ی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود میگذارند؛ اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد.»

مگر خط تسامح چه کرده؛ که رهبری اینچنین هشدار می دهند. نزدیک به نیمی از سخنان ایشان؛ با توسل به آیات و ادعیه؛ هشدار بود. بگذریم که برخی طبق روال، تنها تاییدی، که به تناسب هشدارها بیش از چند سطر نیست را؛ می بینند. [که البته باید دید؛ و مابقی را وا میگذارند.

رهبری فرمودند: «ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد.»

واقعاً فهمش برایم مشکل است؛ چرا خط تسامح آنگونه که باید، توان ترسیم خطوط قرمز برای دشمن را ندارند؛ تا آنجا که رهبر انقلاب، علی رغم میل باطنی بر «عدم دخالت در جزئیات مذاکرات»؛ به اجبار خلع کوتاهی آنان را، از حسینیه امام خمینی (ره) پر کرده و ۱۹۰۰۰۰ سو نیاز ایران را، با قاطعیت روی میز مذاکره می گذارند؟

امروز بر کسی پوشیده نیست؛ تاکتیک مذاکرات آن دوران، منجر به عقب نشینی محض، التماس به غرب برای نگه داشتن سه چهار سانتیفریوژ، دخیل کردن البرادعی اجنبی در جناح بندی های داخلی، تعلیق و عقب افتادن تمامی کارها، درز اطلاعاتی که منجر به شناسایی شهدای هسته ای برای سرویس های اطلاعاتی دشمن شد، و خلاصه وادادگی تمام عیار بود، آن دوران.

با این حال موسویان اذعان می کند: «توافق مقدماتی همان چهارچوبی است که پس از حدود ۱۵ ماه مذاکره با سه کشور اروپایی در بهار ۱۳۸۴، ما به آنها پیشنهاد کردیم» و در ادامه می آورد ایران که به دنبال بمب هسته ای نیست، بنابر این پروتکل الحاقی را هم اجرا کند!

وی با نادیده انگاشتن امتیازات واگذار شده در برابر وعده های نسبی توافق ژنو می گوید: «اما برای اجرای پروتکل الحاقی هم، ایران باید امتیاز هم وزن و متقابل بگیرد. از نظر من چنین امتیاز اتی باید درمورد رفع تحریمها و گشودن درهای جهان برای همکاری صلح آمیز هسته ای با ایران باشد!»

نمی دانم خط تسامح عزت نفس را چگونه ترجمه می کند. اما مگر عقب نشینی های فاحش توافق ژنو کم بود؛ که حالا پروتکل الحاقی را هم، مفت و مجانی روی آن گذاشته و قصد تحمیلش به مردم دارند؟ تنها تعلیق غنی سازی بیست درصد برابر بود با رفع همه ی تحریم های بانکی و تحریم نفت، چه رسد به نابودی ذخایر غنای ۲۰ درصد. حالا موسویانی که پس از صدور حکم دادگاه انقلاب؛ ایران را به مقصد آمریکا ترک گفت و با سلام و صلوات مورد استقبال دشمن دیرینه این مملکت قرار گرفت؛ همانند ظریف و عراقچی برگ های برنده ی واگذار شده در توافق ژنو را، هیچ می انگارد و ادعا می کند؛ در قبال پروتکل الحاقی، تحریم ها را بردارند!

نمی دانم کدام خط فکری برای تاکتیک مهره ای سوخته؛ ارزش قابل است؟ مهره ای که پس از ترک کشورش و سکونت در آمریکا؛ در قبال دریافت

شانزدهم تیرماه ۹۳

رهبر فرزانه انقلاب سخنان مهمی در جمع مسئولین نظام ایراد و ضمن ابراز اعتماد به تیم مذاکره کننده هسته ای فرمودند: «ما به تیم مذاکره کننده مان اعتماد داریم. مطمئنیم یقیناً آنها به دست اندازی به حقوق کشور و حقوق ملت و کرامت ملت راضی نخواهند شد و اجازه نخواهند داد که چنین کاری انجام بگیرد.»

صبح روز بعد عراقچی خطاب به رهبری و ملت ایران گفت: «به رهبری و ملت ایران اطمینان می دهیم از هیچ یک از حقوق هسته ای کوتاه نخواهیم آمد.»

اخبار فوق؛ هر ایرانی را غرق در شور و شفع می کند؛ لیکن یادآوری خاطره تلخ برنامه مشترک اقدام، دل شوره را جایگزین شادی می نماید. می پرسم مگر تعلق مذاکره کنندگان توافق ننگین ژنو، به کهکشان دیگری بود؟ مگر نبود همین تیم، که خطوط قرمز نظام را برای دستیابی «توافق به هر قیمتی» زیر و رو کرد؟

سخنان عضو تیم سابق هسته ای شیخ حسن روحانی را که می بینی؛ همان ذره امید باقی مانده هم تبدیل به یاس می شود! مصلحی وزیر اسبق اطلاعات در خصوص وی گفت؛ هرچند حسین موسویان از اتهام جاسوسی تبرئه شد؛ لیکن از نظر ما همچنان جاسوس است. نمی خواهیم قوه قضائیه را زیر سوال ببرم، قوه قضائیه بر اساس قوانین خود که شاید ضعف و اشکالی در آن باشد عمل کرده؛ لذا تبرئه وی دلیلی نیست که جاسوس نباشد. بر اساس اسناد ما ایشان جاسوس است.

موسویان دو روز قبل از بیانات رهبری، در مصاحبه با روزنامه شرق علی رغم چند مورد مثبت؛ نکاتی می گوید که عرق سرد بر پیشانی نقش می بندد: «تاکتیک مذاکرات در دوره ایی که من حضور داشتم، با تاکتیک مذاکرات این دوره کاملاً مشابه است؛ با یک تفاوت که در دوره ۸۴-۱۳۸۲ من حضور داشتم!»



# تصاویری از سلسله مذاکرات هسته ای وین



ارسالی توسط : afsarejavan



سوال اینجاست که اگر امروز چرخ سانتریفیوژها به چرخ زندگی مردم گره زده شد و با این ترفند چرخ هسته‌ای از کار افتاد و خاکریز اول از دست رفت، اگر فردا روزی پس از فتح موضوع اول دعوا توسط طرف مقابل، موضوع دیگری بهانه قرار گرفت، با این منطق آیا باز هم می‌شود مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی را به گردن موضوع جدید انداخت و باز هم آدرس غلط داد؟!

اگر مسئله‌ی حقوق بشر به بهانه‌ی اصلی دعوا تبدیل شد، می‌شود چرخ زندگی مردم و اقتصاد را این بار به چرخ حقوق هم جنس بازها و قاچاقچیان اعدامی گره زد؟!

اهمیت پرونده‌ی هسته‌ای این است که دشمن و تنش زایی‌هایش امروز پشت خاکریز این پرونده نگه داشته شده است و با کمی مقاومت و پیشروی حتی می‌توان وی را از همین خاکریز هم دور کرد و همچنین از کف دادن خاکریز اول به معنای مجوز دادن به دشمن برای پیشروی بسوی دیگر خاکریزها و در نتیجه تحمیل هزینه‌ی بیشتر به جبهه‌ی خودی است.

گره زدن اقتصاد به مسئله‌ی هسته‌ای و بدهکار و مدیون نشان دادن مسئله‌ی هسته‌ای نسبت به سایر حوزه‌های پیشرفت کشور، آدرس غلطی است که نشان از عدم فهم اهمیت اساسی این پرونده است.

امروز هسته‌ای خط مقدم پیشرفت، عزت و استقلال کشور است. امروز همه‌ی مایست متشکر و قدردان چرخ سانتریفیوژها باشند!

پ.ن: می‌دانید توافق ژنو یعنی چه!!!! ای کاش جناب رئیس‌جمهور صادقانه به مردم می‌گفتند که توافق ژنو واقعاً یعنی چه. ای کاش از کار افتادن چرخ سانتریفیوژها به موجب توافق ژنو را آن طور که هست به اطلاع مردم می‌رسانیدند تا مردم خودشان با بررسی وضعیت چرخ زندگی و اقتصادی‌شان، رابطه‌ی چرخ سانتریفیوژها و چرخ زندگی را بهتر درک کنند. ببینند آیا امروز که چرخ سانتریفیوژها از کار افتاده، آیا برآستی چرخ زندگی در حال شتاب گرفتن است؟!

اطرافیان فعال در بخش خصوصی‌شان، گل بزنند. البته نه برای مردم که برای جیب خودشان! چنین اقتصادی با این درد‌های سخت و البته درمان پذیر، فراموش شده و چرخ آن بجای اینکه به چرخ جرح و اصلاح گره بخورد، به چرخ سانتریفیوژهای مظلوم گره خورده و دواى درد خود را در دست تحریم‌کنندگان خارجی می‌بینند. و این خط را در جامعه نشر می‌دهند و این «آدرس غلط» است!

اگر گره زدن چرخ اقتصاد و زندگی مردم به چرخ سانتریفیوژها و ترسیم دوراهی هسته‌ای یا معیشت بهتر را آدرس غلط بخوانیم، در این روند «آدرس غلط تر» در حال ارائه شدن است که بسیار خطرناک تر است.

تقلیل دادن مسئله‌ی هسته‌ای در شرایط فعلی به یک مسئله‌ی صرف فنی، علمی و صنعتی که می‌تواند مانند سایر صنایع و فناوری‌های مشابه با حساب و کتاب‌ها و دو دو تا چهارتا‌های مرسوم اقتصادی و... پیش رود، کند شود و یا حتی متوقف شود. آدرس غلط تر از آنچه در بالا عرض شد.

تقلیل دادن اهمیت پرونده‌ی هسته‌ای ایران در حال حاضر، به دستاوردها و نیازهای علمی و فناوری آن نظیر نیاز به انرژی، کاربردها در پزشکی و کشاورزی و... نوعی ظلم به این پرونده‌ی حیاتی است!

این دستاوردها و نیاز به آنها کاملاً بجا و بسیار پراهمیت است اما اهمیت اصلی و کارویژه‌ی پرونده‌ی هسته‌ای در حال حاضر این است که این پرونده امروز نقش حیاتی «موضوع دعوای بنیادین و ایدئولوژیک میان انقلاب اسلامی و نظام سلطه» را ایفا می‌کند. دعوایی که بخاطر ماهیت دو طرف بصورت طبیعی وجود داشته، دارد و تا زمانی که ماهیت دو طرف همین چنین باقی بماند، خواهد داشت و مسئله‌ی این مثل پرونده‌ی هسته‌ای تنها موضوع و بهانه‌ی این درگیری است. با این تفسیر، با دادن آدرس غلط در مسئله‌ی هسته‌ای و مورد تهدید واقع کردن این مسئله‌ی حیاتی و کوتاه آمدن در دعوای آن، گویی خاکریز اول در این نبرد از دست رفته است که در نتیجه‌ی آن باید یا تغییر ماهیت داد و یا منتظر موضوع‌ها و بهانه‌های دیگر برای دعوا بود.

«خوب است چرخ سانتریفیوژها بچرخد به شرطی که چرخ کارخانه و چرخ زندگی مردم هم بچرخد.»

می‌توان گفت با این جمله دکتر روحانی در مناظره انتخابات سال گذشته، رسماً انگشت اشاره به سوی آدرس غلط بلند شد و فرآیند مفهوم سازی خاصی کلید خورده و سعی شد با این مغالطه، عده‌ای به سمت جهت اشاره، پای صندوق‌های رأی آمده و رئیس‌جمهور آینده را انتخاب کنند. این غلط نشان دادن راه، بعد از انتخابات هم البته پیگیری شد.

معیشت مردم، وضعیت اقتصادی کشور، تحریم‌ها و نهایتاً پرونده هسته‌ای حلقه‌های زنجیره‌ای از مفاهیم بودند که به غلط به هم متصل شده تا پیوندی میان چرخ زندگی مردم و چرخ سانتریفیوژها برقرار شود و طبق این آدرس غلط، مردم بر سر یک دوراهی قرار بگیرند. فناوری هسته‌ای و ایستادن و صیانت از دستاوردهای آن و یا وضعیت معیشتی بهتر و شرایط اقتصادی مطلوب تر؟!

غلط بودن این آدرس دهی در اینجاست که تحریم و فشارهای اقتصادی خارجی سرپوشی می‌شود بر کاستی‌ها و نارسایی‌های درونی و در نتیجه، علت مشکلات اقتصادی قلمداد شده و در نتیجه رفع مشکلات اقتصادی در گرو رفع تحریم‌ها نمایانده شود.

مشکلات درون خانوادگی اقتصاد دیده نشده و همه چیز به بیرون مرتبط میشود. اقتصاد دلال محور که مناره‌های مراکز تبادل سیستماتیک ربا در آن به اسم بانک و بانکداری و آن هم با پسوند اسلامی! کم کم دارد جای مناره‌های مساجد را در سطح شهر می‌گیرد و بانگ اذان و دعوت‌های آن هم شبانه روز از رسانه‌ی ملی! به گوش میرسد.

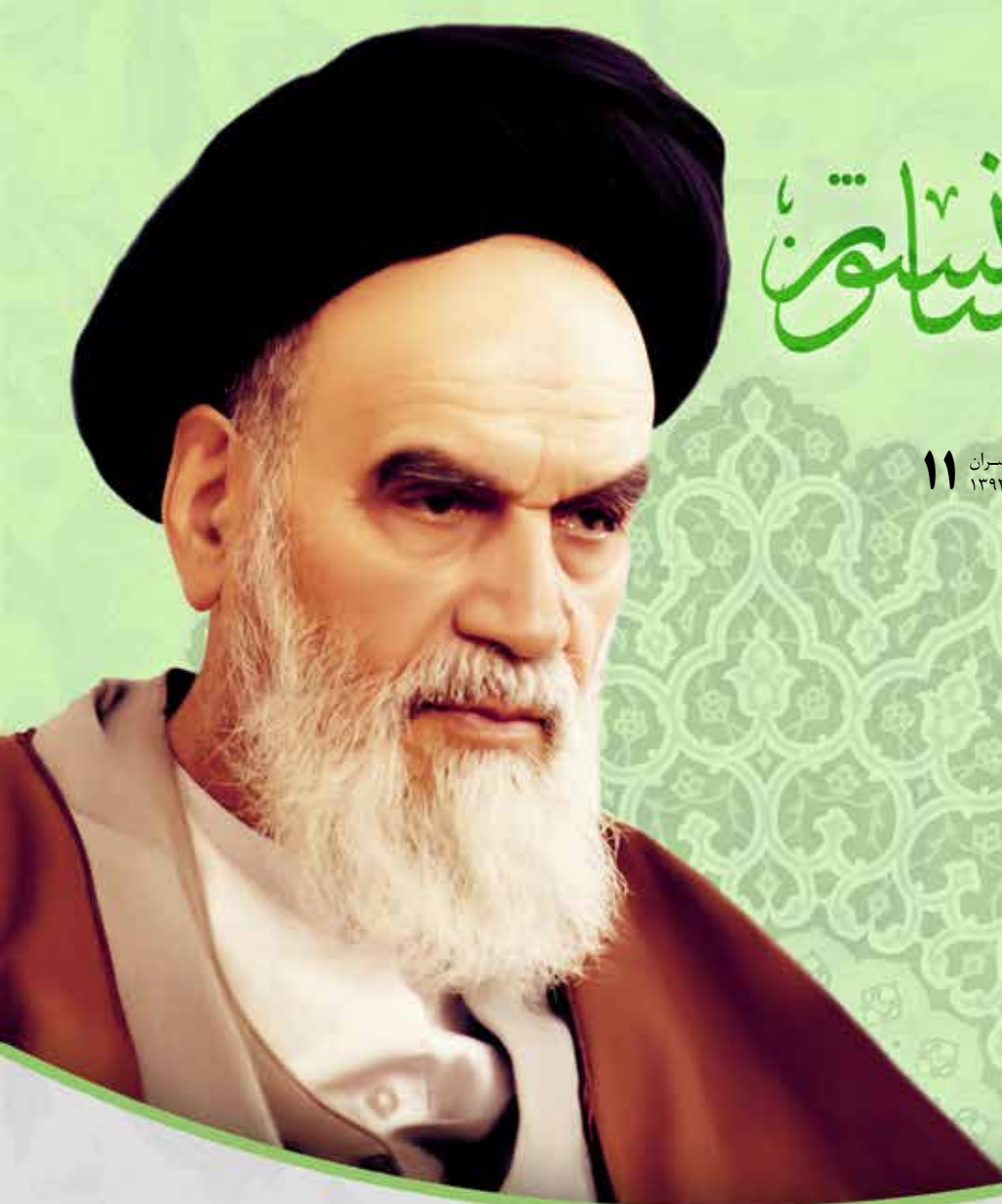
اقتصادی که آن قدر حفره و نقص ساختاری دارد که در ضعف نظارت‌ها و کنترل‌ها، فساد‌ها را در خود می‌پروراند و جونیورها و آقاها را از سویی و فعالان بی‌تقوای اقتصادی را هم از سوی دیگر بر اموال مردم می‌شوراند.

اقتصادی که در آن مدیران دولتی رده بالا، همزمان فعال بخش خصوصی‌اند و از سویی در هیئت دولت‌اند و از سوی دیگر در هیئت مدیره با «بتکار» عمل قوانین و لوایح را به این طرف و آن طرف پاس می‌دهند تا نهایتاً

# یولادون نسلون



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران  
سه شنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۹۳



شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه های دار می روند؟

مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم. چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند».

غرب، بی شهادت میسر نیست. مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهانخواران شکست می خوریم و نابود می شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می کنند؟ مگر امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی برملا شده است. بسیج عمومی آنان در دفاع از یک خود فروخته و نویسنده مزدور گویای این واقعیت است و شاید آنان اینهمه فضاحت و بی آبرویی شان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش بینی نکرده بودند که امروز با سرافکندگی و خواری از کرده خود پشیمان و با ذلت مراجعت می کنند...

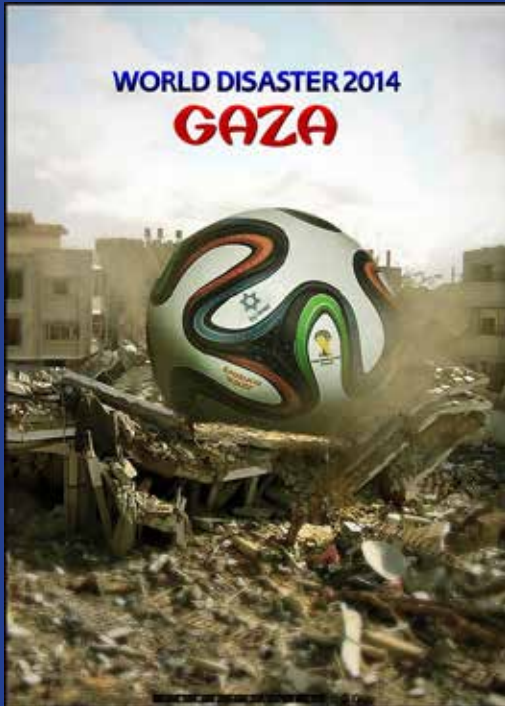
من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود

مردم عزیز ایران که حقاً چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختیها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند.

چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و

صحیفه امام، جلد بیست و یکم - صفحه ۳۲۷  
(۲ فروردین ۱۳۶۸، پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی)

گردآوری توسط: alitanhha



<http://www.afsaran.ir/link/649811>



<http://www.afsaran.ir/link/651220>

گنج افسان  
پوسترهای تولید شده توسط افسران جوان جنگ نرم  
www.afsaran.ir/ganjine/4  
۱۲



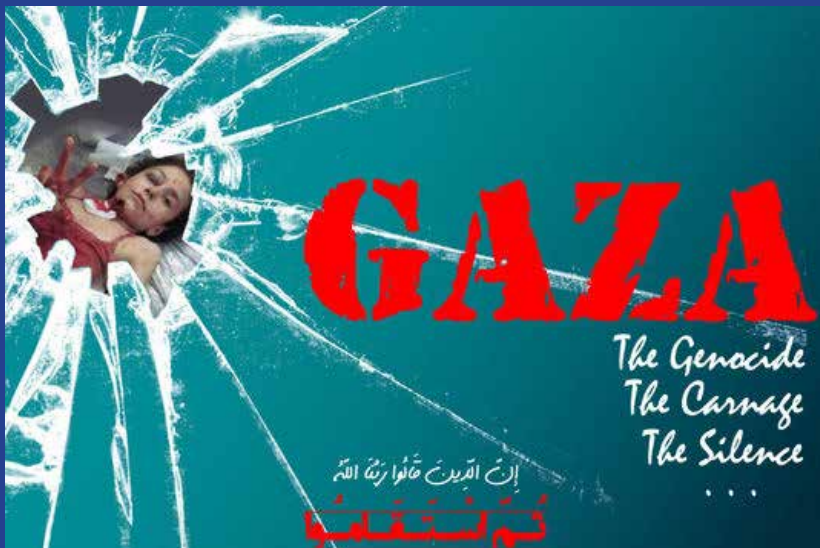
<http://www.afsaran.ir/link/650125>



<http://www.afsaran.ir/link/652341>



<http://www.afsaran.ir/link/651181>



<http://www.afsaran.ir/link/650994>



<http://www.afsaran.ir/link/651039>



## جنایت علیه سیاه پوستان

این فاصله‌گاه به هزاران مایل می‌رسید. طی این راهپیمایی‌ها از هر پنج سیاه‌پوست اسیر، دو تن جان می‌باختند. بازماندگانی که به ساحل می‌رسیدند، تا زمان فروش در قفس زندانی می‌شدند. سپس آن‌ها را درون کشتی‌های تجارت برده جای می‌دادند.

در این مرحله، همگی در فضایی تاریک و تنگ به هم زنجیر می‌شدند و در جایی به اندازه تابوت به حالت دراز کش قرار می‌گرفتند. عده‌ای به دلیل ازدحام شدید، کمبود اکسیژن و یا جراحات حاصل از شکار برده، می‌مردند. گاه در طول سفر یک سوم کل آفریقایی‌های درون کشتی، جان خود را از دست می‌دادند. تعدادی، برای پایان دادن به این رنج و عذاب، خود را به دریا می‌انداختند. با این همه، تجارت برده چنان سودآور بود که تجار، سوراخ‌های کشتی را هم برده پر می‌کردند.

اولین کشتی آمریکایی برده، در سال ۱۶۳۷ از ایالت ماساچوست حرکت کرد. محفظه‌های نگهداری برده در آن کشتی، به قفس‌هایی با عرض ۶۱ سانتی‌متر و طول ۱۸۰، تقسیم می‌شد و در قسمت پا، قفل‌هایی برای زندانیان تعبیه شده بود.

آمریکایی‌ها در این جنایت سازمان یافته اقدام به اعزام نیروهای جوان سیاه به خاک آمریکا برای استفاده ابزاری از آنها می‌کردند. گذشته از خرید و فروش، عملیات اعزام را راه انداخته بودند که به مثبث برده‌داری در شمال غربی آفریقا و آمریکا شده بود.

شورش سیاه‌پوستان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۶۰، سفید پوستان آمریکا را غافلگیر کرد؛ خاطره‌های متراکم سیاهان از ظلم، تعدی و نژادپرستی آمریکایی، شورش را دور از انتظار قرار نمی‌داد.

ایالات متحده در اوج سروری زورگویانه خود بر دنیا، در عقب افتاده‌ترین وضعیت حقوق مدنی به سر می‌برد. تا ۱۹۴۶، هنوز نیروهای مسلح آمریکا تفکیک نژادی داشتند. از این سال نیز که دستور به پایان این قانون صادر شد، ۱۰ سال طول کشید تا بالاخره ارتش، از لحاظ نژادی مختلط شد.

مدارس ملی کشور تا سال ۱۹۴۵، با قانون «جدا اما برابر» اداره می‌شد. تا ۱۰ سال پس از ۱۹۵۴ که دیوان عالی دستور پایان این تفکیک را صادر کرد، بیش از ۷۵٪ مدارس جنوب هنوز مجزا بود.

اتوبوس‌های محلی تا سال ۱۹۵۶، قسمتی مخصوص سفیدپوستان داشت که ورود سیاهان به آن قسمت، موجب بازداشت آنان می‌شد. سلف سرویس‌های کالج‌ها نیز محلی ویژه برای توزیع غذای سفید پوستان داشت که به سیاهان در آن محل خدمات ارائه نمی‌شد.

با حضور نژاد انگوساکسون در قاره آمریکا و اشغال سرزمین‌های سرخپوستان غاصبان آمریکای شمالی برای کار سخت در کشتزارهای بزرگ نیاز به نیروی کار انبوه و ارزان داشتند. آنها نمی‌توانستند در ابتدای حضور در خود در این قاره، ساکنان بومی یعنی سرخپوستان را استثمار کنند زیرا جنگل‌های تودرتوی آمریکای شمالی برای اشغالگران، بیگانه و برای سرخپوستان، همچون خانه‌شان آشنا و مانوس بود.

در وقت جنگ، این جنگل‌ها پناهگاهی کاملا ایمن برای بومیان و قتل‌گاهی برای اشغالگران به حساب می‌آمد. ازین رو، در این برهه از زمان، غاصبان اروپایی‌الصل تا جایی که ممکن بود از درگیری با سرخپوستان پرهیز می‌کردند چون نمی‌خواستند در «جنگ استثمار» مغلوب شوند علاوه بر اینکه جمعیت و قدرت مبارزه سرخپوستان در این دوران بر سفید پوستان غلبه داشت. یک راهبرد شیطنی، آرزوهای سرمایه‌داران اشغالگر را محقق می‌کرد: در اختیار داشتن کارگرانی «تومن د»، «پراسقامت»، «ارزان»، «غریب و ناآشنا به منطقه» و «مطیع». آنچه این فکر را در مقام عمل، شیطنی‌تر و غیرانسانی‌تر می‌ساخت، تبدیل «اطاعت از روی میل و اختیار» به «بردگی» و «ارزان بودن» به «رایگان بودن» بود.

قاره آفریقا گزینه این تصمیم نابودکننده شد. بزرگ‌ترین عملیات آدم‌ربایی و برده‌داری تاریخ، توسط کمپانی‌های غارتگران زرسالار، آفریقایی سیاه را به خاک سیاه نشاند. تا سال ۱۶۱۹ یک میلیون سیاه‌پوست را وارد آمریکای جنوبی و جزائر کارائیب کردند. از دید آنان، برده و کارگر، مادام‌العمر قلمداد می‌شدند.

تا سال ۱۸۰۰ (آغاز قرن ۱۹) حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون سیاه‌پوست آفریقایی به قاره آمریکا وارد شد. براساس محاسبات، آفریقا بیش از پنجاه میلیون نفر از جمعیتش را به خاطر تجارت برده از دست داد. همه این وقایع در طول قرن‌هایی روی داد که ما آن‌ها را آغاز شکل‌گیری تمدن مدرن می‌نامیم.

برده‌داری آمریکایی به دو دلیل ظالمانه‌ترین نوع برده‌داری تاریخ بود:

- ۱- برده‌داری آمریکایی از «جنون سود» بی‌پایان پدید آمد.
- ۲- بر «تفر نژادی» مبتنی بود. به همین خاطر با بردگان همچون موجوداتی پست‌تر از انسان رفتار می‌کردند. (۳)

برخورد غیر انسانی دزدان (تاجران) برده، از همان ابتدای شکار برده از سرزمین‌های آفریقایی آغاز شد. جایی که بردگان را به هم زنجیر و مجبور به حرکت پیاده به سمت ساحل می‌کردند.

اواخر دهه ۷۰ و بعد از تظاهرات جنبش‌های اعتراضی بسیار و تصویب قوانین بیشتر در جهت رفع تبعیض نژادی، هنوز هم جمعیت سیاهان که ۲۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌داد، صاحب کمتر از ۳ درصد مشاغل موثر بود.

تبعیض نژادی در عرصه اشتغال هنوز هم وجود دارد، میزان دستمزدها تفاوت می‌کند و به طور کلی تبعیض‌آمیز است.

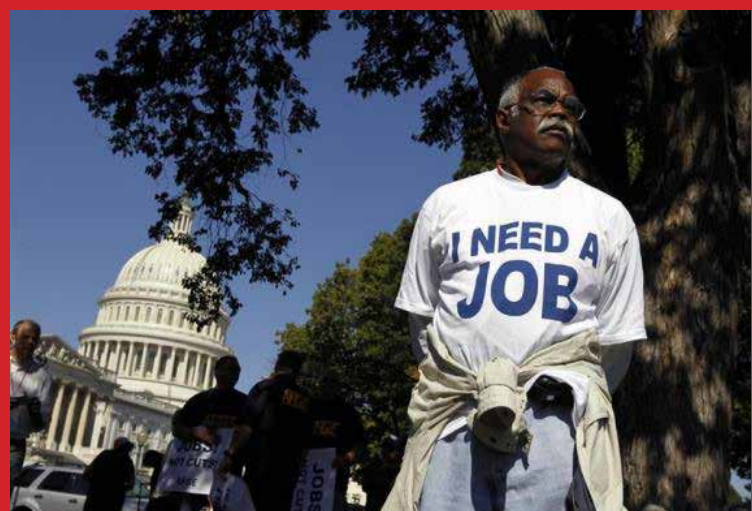
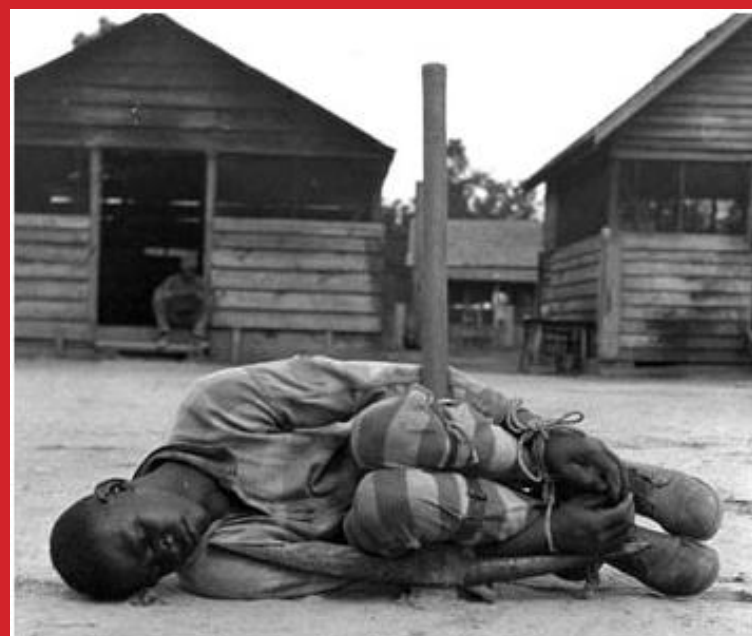
در آمریکای امروزی سیاهان بورژوا و مرفه نیز دیده می‌شود، سیاهان تحصیلکرده، دانشمند، استاد، مهندس، سیاستمدار و هنرمند و... بسیاری ولی در مجموع این سیاهان بورژوا معرف اکثریت جامعه سیاه ایالات متحده نیستند بلکه اکثریت سیاهان را طبقات پایین و حتی مادون متوسط تشکیل می‌دهند و در محله‌هایی زندگی می‌کنند که تقریباً فراموش شده به نظر می‌رسد.

تعداد زندانیان سیاه از سفید بیشتر است چرا که از لحاظ امکانات در فقر شدید به سر می‌برند.

میزان امید به زندگی در آمریکا بین سیاهان ۴ سال کمتر از سفیدپوستان است و این مسلماً ناشی از درآمد کمتر این اقشار و دسترسی کمتر آنان به خدمات بهداشتی و تغذیه مناسب است. نرخ بیکاری سیاهان نسبت به سفیدپوستان نزدیک به دو برابر گزارش شده است که برای جوانان زیر ۲۰ سال به بالای ۴۰ درصد بیکاری می‌رسد. ۵۵ درصد سیاهپوستان مالک خانه نیستند در حالی که فقط ۳۵ درصد سفیدپوستان چنین وضعیتی دارند.

این نوع نگاه به انسان نیز سند ننگین دیگری است که بر پیشانی آمریکا قرار گرفته است.

# تصاویر رفتار نژاد پرستانه غرب نسبت به سیاه پوستان



ارسالی توسط : afsarejavan



# شبهایی که جهان به سان غزه در آن خواب ندارد

آرژانتینی بریزد، در حالی که بمباران غزه، خون صدها کودک فلسطینی را ریخته و به اشک شان آمیخته و جان ده ها تن شان را گرفته است و ...

... و جهانیان هنوز با عمیق ترین احساسات جاهلانیه ی نژادپرستی، ریختن خون اعراب را از ریختن خون یک قلاده پلنگ ایرانی کم اهمیت تر می دانند ...

... آری، امشب و فرداشب مردم دنیا شب از هیجان این که کدام تیم ها رتبه های اول تا سوم دنیا را کسب می کنند خواب ندارند و غزه از صدای بمباران و موشک بی خواب است ...

... و البته امشب نیز چونان ۴ سال پیش، این فقط خدای غزه است که برخلاف وجدان های خواب جهانیان بیدار است و اوست که نخواهد گذاشت روند شکست های مفتضحانه ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه ی اسرائیل این بار حتی به همان ۸ روز برسد، ان شاءالله؛ باشد که به همگان ثابت شود، تحریم ها و حمله های خونخواران دنیا جز با صبر، مقاومت و موشک قابل حل نخواهد بود و هیچ ظالمی، ظالمانه بودن تحریم ها و حمله هایش را با زبان مذاکره نخواهد پذیرفت.

نویسنده: salman56

عرب و حتی ما ایرانیان چشم به دروازه های فوتبال دوخته ایم که توپ از کدام شان رد می شود ...

... ساعاتی که همه نگرانند که نکند فلان داور صحنه ای از چشمش به دور مانده باشد و حقی از هلند، برزیل، آرژانتین و آلمان اجحاف شود ...

... و در همان آن در آن سوی دنیا، توپ ها نه در دروازه ها که بر سقف خانه ها ریخته می شوند، بی آنکه کسی صدایی را از حنجره های به خون تپیده شنیده باشد و یا تقاضای پخش صحنه آهسته عبور بمب از سقف خانه را کرده باشد...

... امشب جهان از این که نیمار کمرش مصدوم شد و نتوانسته به بازی رده بندی برسد غصه می خورند ولی گویا کسی به کمرهای کودکان، نوجوانان، جوانان و پیران غزه که زیرآوار بی صدا می شکنند، نمی اندیشد ...

... و فردا شب همه چشم شان به پاهای مسی است که آیا می تواند بر نظم آلمانی ها غلبه کند و طرفداران آرژانتین نگرانند که نکند دروازه آرژانتین هم مانند برزیل گل باران شود و ... و نکند که اشک از چشم فلان کودک

امشب دیدار رده بندی فوتبال جام جهانی است و هلند و آرژانتین برای کسب مقام سوم باهم خواهند جنگید، بلیط بازی در بازارسیاه به بیش از ۳ هزار دلار فروخته می شود و شبکه های مختلف تلویزیونی از جمله صداوسیما ما با میالغ کلان حق پخش این مسابقه را خریده اند تا مردم شان بتوانند از دیدن یک مسابقه لذت ببرند و همه ی اینها تنها هر چهار سال یک بار محقق می شود، چهارسالی که دنیا برای آن میلیاردها پول صرف می کند، صدها مسابقه می دهد و انتظار می کشد تا دوباره فرا رسد و ...

.. چهار سالی که اسرائیل هم آن را به انتظار می نشیند تا مثل ۴ سال پیش و مثل هر فرصت دیگری که غزه را به خاک و خون کشید، از این همه غفلت و سرگرمی دنیا استفاده کند و دوباره فرصتی برای بروز و تمرین درندگی اش ایجاد نماید ...

... فرصتی که برای حفظ، ثبات و اثبات وحشی گری اش به آن نیاز دارد تا میزان هاری اش را با کف و خون آویزان از دهانش به سران عرب که برده ی غرب، پول، ترس و شهوات شان هستند نشان دهد ...

... فرصتی که در آن دنیای غرب، جهان

## جریان شناسی رسانه های فارسی زبان (۸)

خرداد ۹۳

آدرس وب سایت	Resalat-news.com
سال تاسیس	1364
منابع مالی	تبلیغات
مشی سیاسی	اصولگرای سنتی
وابستگی یا تمایل سیاسی	جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسين
عملکرد در فتنه ۸۸	روشنگری
مدیر مسئول	مرتضی نبوی
سر دبیر	محمدکاظم انبارلویی
عناصر اثر گذار	امیر محبیبان
اتفاقات خاص	انتقاد از میرحسین موسوی در دهه ۶۰

در دولت اصلاحات علاوه بر فضای اقتصادی، نقدهای فرهنگی و سیاسی علیه دولت خاتمی بیشتر شد. رسالت جزو حامیان دور اول احمدی نژاد شناخته میشود که این حمایت هم دوامی نداشت و با پررنگ تر شدن جریان انحرافی در دولت کم رنگ تر شد.

ولی به هر حال باید اذعان کرد رسالت دیگر اثرگذاری دهه شصت خود را از دست داده است. یک دلیل آن میتواند این باشد که در دهه شصت در حالی که کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی حامیان جریان چپ بودند که بعدها دست اندرکاران آنها جزو جریان اصلاح طلب شناخته شدند. رسالت تنها نشریه ای بود که جریان راست و روحانیت مبارز و جمعیت مؤتلفه را نمایندگی میکرد.

بعضی از نویسندگان و تحریریه سیاسی این نشریه را نزدیکان حزب مؤتلفه اسلامی تشکیل میدهند. امیر محبیبان که دبیر سیاسی رسالت و عضو شورای سردبیری آن بوده، خود موسس حزب نواندیشان ایران اسلامی است که حزبی میانه رو، مدرن ولی اصولگرا به شمار می رود. محبیبان هم اکنون خبرگزاری آریا را تاسیس کرده است. محبیبان در تمام دوران ۸ ساله حاکمیت اصلاح طلبان بر دولت با نگارش بیش از چندصد مقاله در چارچوب ادبیات خاص خود در صف مقدم نبرد قلمی و نظری با آنان بود و در همان حال برخلاف چهره های شاخص جریان اصولگرا با نشریات اصلاح طلب مصاحبه و گفت و گو می کرد.

حشمت ا. فلاحی پیشه نیز دبیری بخش سیاست خارجی این روزنامه را بر عهده داشته است که بعدها نماینده مجلس شورای اسلامی شد.

© منبع: مرکز پژوهش های خبرگزاری دانشجویان ایران (میز) توسط: mim.z

اتفاقات آن دوران می گوید: «در سال ۶۷ دولت آقای موسوی لایحه ای را با مهر سری به مجلس داد من هم آن را در روزنامه رسالت افشا کردم و در سرمقاله ای تحت عنوان لایحه سری عنوان کردم که ما لایحه سری نداریم... تحت تاثیر انتشار لایحه در روزنامه مجبور



شدند لایحه را علنی کنند و وصول آن را هم اعلام کنند. آن زمان دولت علیه من اعلام جرم کرد. شاکي عطاء...مهاجرانی، معاون حقوقی نخست وزیر بود که بعدها گفت هیچ کس نباید از هیچ روزنامه نگاری شکایت کند بلکه مدیرمسئول فقط باید پاسخگو باشد. من هم سه جلسه بازپرسی رفتم.»

نبوی هم رابطه دولت و رسالت را چنین بیان می کند: «موسوی در دوران نخست وزیری تنها روزنامه منتقد را که روزنامه رسالت بود تحمل نمیکرد و به امام شکایت می برد تا آنکه امام نظرشان براین بود که ما انتقاد نکنیم و ما هم تا پایان جنگ انتقادی برخورد نمی کردیم.»

وجه انتقادی رسالت در دولت سازندگی و اصلاحات هم ادامه پیدا کرد که هم زمان میشود با ورود نیروهای جوانی مانند امیر محبیبان به رسالت. در دولت سازندگی گرچه همراهی هایی با وی در دولت اول هاشمی دیده می شد. اما با بروز و ظهور جدی کارگزاران، رسالت نیز به منتقد جدی دولت تبدیل شد.

تاسیس روزنامه رسالت به ۱۹ دی ماه ۶۴ باز میگردد. رسالت توسط منتقدین دولت میرحسین موسوی در دهه ۶۰ تاسیس شد. رسالت روزنامه خبری سیاسی چاپ صبح تهران است که معمولا دیدگاه های نزدیک به جامعه روحانیت مبارز و حزب مؤتلفه را منعکس می کند. این روزنامه به صاحب امتیازی بنیاد رسالت در حال حاضر به مدیر مسئولی مرتضی نبوی و سردبیری محمدکاظم انبارلویی منتشر می شود.

نبوی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسين است و در کارنامه خود وزارت پست و تلگراف و تلفن دولت اول میرحسین موسوی را دارد که اختلافات وی و چند تن دیگر از وزرا (علی اکبر پرورش، احمد توکلی، علی اکبر ولایتی، حبیب ا. عسکراولادی، محسن رفیق دوست و محمد غرضی) با موسوی در فضای کشور جنجال رسانه ای بسیاری ایجاد کرد.

مرحوم آیت ا. آذری قمی، محمدعلی شرعی، راستی کاشانی، کریمی جهرمی، مرحوم شفیق به نمایندگی از جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از سوی دیگر مهندس مرتضی نبوی، علی اکبر پرورش، احمد توکلی، علی اکبر ولایتی، محسن رفیق دوست، حبیب ا. عسکراولادی و محمد غرضی و تنی چند از فعالان سیاسی نزدیک به هیئت های مؤتلفه افراد موثر و ذی نفوذ این روزنامه در ماه های نخست تاسیس آن بودند.

گرچه این روزنامه خود را ارگان هیچ حزب و دسته ای عنوان نکرد، اما احزابی چون جامعه روحانیت مبارز، حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه اسلامی مهندسين روزنامه رسالت را ارگان خود شناختند.

دهه شصت دهه طلایی رسالت است. انتقادهای رسالت به عملکرد میرحسین موسوی در دوران نخست وزیری اش یکی از

تنش های اصلی سیاسی در آن ایام بوده است، حتی گفته می شود به دلیل حجم این انتقادات توزیع رسالت در جبهه ها ممنوع شده بود. در آن ایام روزنامه رسالت منتقد اصلی و اول اقتصاد دولتی و کوپنی میرحسین موسوی شد و از اقتصاد باز و بازار حمایت می کرد.

نمایندگان مخالف دولت (معروف به ۹۹ نفر) رسالت را به عنوان رسانه ای برای بیان مطالبشان و نقدهایشان یافته بودند.

ماجرای ۹۹ نفر به افرادی بر میگردد که به میرحسین موسوی در مجلس برای دور دوم نخست وزیری اش رای ندادند. توکلی درباره





## منش فرهنگی و سیاسی شیعه

های زیاد وجود دارد که برخی از آنها دقیقاً موثر در تفکر سیاسی شیعه است. وقتی «استکبار ستیزی» شیعه، طبقه آیه کریمه: *لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا* (نساء: ۱۴۱) تحت «امامت» و ولایت ولی فقیه و مسائل مربوط به حکومت و اداره جامعه یعنی «امر به معروف و نهی از منکر» تجلی پیدا کرد، ارزش بزرگی به نام «روحیه ایثار و شهادت طلبی» را که با نام سید الشهداء (علیه السلام) در فرهنگ سیاسی تشیع ثبت شده، خون تازه ای را با شهادت خود در رگ های پیکر جامعه به جریان می اندازد تا رفتار مسئولان سیاسی یک شیعه را که دارای تفکر صحیح در قالبی به نام تفکر «معاد» است نشان دهد. تمام اینها باعث بروز رفتاری به نام «عدالت خواهی» می شود که همان مفهوم سیاسی اجتماعی عدل، در مقابل ظلم یا همان معنای حقیقی عدالت اجتماعی بشری. عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محتوم بشمارند...

مولفه های فرهنگ شیعه، از اساسی ترین عناصر فرهنگ سیاسی اسلام است که در چارچوب آن، مشارکت سیاسی در امر حکومت و نظارت همگانی بر هیأت حاکمه تحقق می یابد و سلامت جامعه در ابعاد مختلف تأمین می گردد و عمل به آن، ضامن بقا و استمرار حکومت و نظام اسلامی صالح و عادل است.

از مهم ترین علل وقوع انقلاب نقش بی بدیل رهبری و استفاده از ساختارهای اجتماعی سیاسی شیعه در بسیج و سازماندهی انقلابیان است. در انقلاب اسلامی ایران پیوند دینی و اعتقاد و باور مردم به مولفه های فرهنگ شیعی، باعث ایجاد قوام انقلاب شده است و به نتیجه مطلوب رسید و باعث افزایش قدرت و اقتدار کشورمان شده است. جمهوری اسلامی ایران هویت متمایزی را در منش فرهنگی و سیاستی خود پذیرفت که بی کم و زیاد بر مبنای اسلام بود؛ اسلامی که در حکومت و نظام قابل تفکیک بین اجتماع و سیاست نیست، الگویی که تشابهی با ساختار اندیشه سکولار نداشت؛ حکومتی که با مبانی فکری، هدف، فرآیند تاریخی و تطوراتی متمایز از گفتمان سکولار شعار عینیت سیاست با دیانت را نهادینه کرد و پایه گذار گفتمان جدید در نظامات سیاست بین المللی شد.

نویسنده: matinememi

استبداد، اقتصاد و مدرنیزاسیون، چگونه یک عالم سنتی، در اوج دوران مدرن و حاکمیت مدرنیته، با شعار هایی تحت لوای دین و متحجرانه، انقلابی بر مبنای دینی که قابل تقسیم و تجزیه نیست، به راه می اندازد؟

به یقین باید گفت؛ همچنین عملکرد و رفتار خصمانه و فشار دولت های غربی، که در این سالها به پیکر نا متأثر انقلاب اسلامی وارد شده، ناشی از این تحلیل نادرست از پیدایش و ثبوت این حرکت سیاسی بر پایه دین است. عمده مشکلات نظریه پردازان غربی در تحلیل نادرست انقلاب اسلامی ناشی از این است که آنان نقش اصلی پیروزی انقلاب اسلامی را که آموزه های شیعی و عناصر و مؤلفه های فرهنگ سیاسی شیعه بوده است، نادیده گرفته اند؛ امری که در ادبیات سیاسی مدرن و بر اساس مبانی نظریه های مدرن غربی، قابل درک و توضیح نیست.

### فرهنگ سیاسی شیعه

باید اقرار کرد در معنای فرهنگ و سایت اختلافاتی وجود دارد که طبیعی است که این اختلافات در تعریف «فرهنگ سیاسی» نیز نمود کند، اما می توان یک اشتراک را در تمام این تعریف ها پیدا کرد. لذا در جمع بندی تعاریف، «فرهنگ سیاسی» را می توان این گونه تعریف کرد: مجموعه ای از ارزش ها و اعتقادات اجتماعی موثر بر رفتار سیاسی یک جامعه که سازنده نظام سیاسی یک جامعه می باشد.

لذا وقتی مجموعه ای منسجم و غیر قابل انفکاک از فرهنگ تشیع، مبنای کنش و واکنش های مردم ایران در بروز انقلاب اسلامی شود، باید گفت «فرهنگ سیاسی شیعه» موثر ترین و بلکه مبنای حکومت نظام جمهوری اسلامی ایران است.

وقتی نظرات روشنفکرانی غربی مانند هانری کربن را درباره تشیع و ایران و یا انقلاب و قیام های شیعی مانند قیام عاشورا، توابین و ... را بررسی کنیم، می فهمیم که یکی از ارکان مهم فرهنگ سیاسی شیعه که باعث پویایی و حیات آن محسوب می شود مجموعه «اعتقادات» و «ارزش های» آن است. این دو، همان «فرهنگ سیاسی شیعه» است که با پیوستگی و انسجام خود، باعث کنش و واکنش های دقیق سیاسی در برابر حکومت های جبار و ظالم طول تاریخ بوده است. در تحت عناوین اعتقادات و ارزش های شیعه مولفه

وقتی حرف از انقلاب می شود، طبیعتاً به سبب اذهان به سوی دلیل انبعاث و برانگیخته شدن مردم آن جامعه برای انقلاب برود. در لغت عرب، «إثارة» از ریشه «ثور» به معنای انبعاث، تهییج، برانگیختن، بلند کردن و آشکار کردن است. «ثار الغبار» یعنی: گرد و غبار برخاست (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۵). انقلاب، قیام، نهضت و جنبش را نیز به همین مناسبت «ثور» می گویند. بی تردید بزرگترین جنبش اسلامی عصر حاضر، که در کنار انقلاب های کبیر فرانسه و روسیه قرار داده شده، یک حرکت ساده برای فرار از ظلم اجتماعی و سیاسی نبوده. ویژگی این انقلاب، شباهت های منحصر به فرد آن به قیام سید الشهداء (علیه السلام) است. به گونه ای که باعث شد به صورت معمایی برای تحلیلگران سیاسی و اجتماعی غرب و شرق جلوه کند.

این تحلیل اشتباه که؛ انقاب اسلامی ایران، یک تغییر نظام حکومتی و سیاسی با کمک جنبش مردمی در یک مقطع از زمان برای رسیدن به نیاز های اجتماعی سیاسی است؛ باعث شده عده ای از نخبگان خارج و داخل کشور فرایند ارتقاء حکومت ظالمانه را به اسلامی طبق نظریه های غربی عنوان کنند تا مانعی باشد برای انحلال و فروپاشی نظام ایران اسلامی. اما فارغ از اینکه این انقلاب همچون الگو و دلیل برانگیخته شدن خود، که در هر عاشورا و حتی روز به روز زنده تر از همیشه، احیاء می شود، می تواند خود را با پشتوانه آن تفکر بعد از گذشت قریب به چهار دهه از پیروزی خود هر روز تجدید و هر روز انقلابی نو را در پی داشته باشد.

بی مناسبت نیست که این نوع تفکر در عده ای قلیل از روشنفکران و موثرین در انقلاب اسلامی ایران، باعث به بی راهه رفتن سیاست های فرهنگی اجتماعی جامعه اسلامی شود تا جایی که انقلاب را ناقص و رسیدن به حد کامل آن را غیر ممکن فرض می کنند.

نفوذ و تاثیر اندیشه های سکولار، مارکسیست، کمونیست و ... در تحلیل ها و ارائه راه کارها و سازکار هایی طبق آن، جز نتیجه ای متناقض با مبانی اندیشه های انقلاب اسلامی نداشته است. آنچه این نظریه پردازان را دچار اشتباه کرده و موجبات تناقض را با این نظریه ها فراهم آورده، این است که بر اساس تعاریف و کلیشه های موجود غربی، یعنی انقلاب بر مبنای عواملی مثل توطئه،



# حوریانی پرده نشین در خیمه ها

مسئله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان توحیدی نیست. براساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده اند (شیرین بیانی، زن در ایران عصر مغول، ص ۵۸) و در همه جوامع و ملل به صورت های گوناگون، کم و بیش وجود داشته است، اما با آمدن اسلام این مسئله به عنوان یک حکم تکلیفی و ضروری برای زنان تعیین گردید.

بر مبنای دستورات اسلام هنگامی که زن پوشیده با وقار باشد و در روابط اجتماعی جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد مغرض، جرات نخواهند کرد تا متعرض وی شوند (سوره احزاب، آیه ۳۳ / عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۴۳۸) بر اساس فطرت و طبیعت انسانی، زنان از ازطرافت، لطافت و جاذبیت های خاصی برخوردار هستند که عمل و رفتار آن هاست می تواند مردان، رابه سوی خود جذب کنند. هم چنان که در روایات آمده است: «المرئیه ریحانه» (محمد بن الحسن حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۱۶۸) یعنی «زن هم چون ریحانه یا شاخه گلی، ظریف است»، اگر باغبان او را پاس ندارد، از دید و دست تعرض گلچین، مصون نمی ماند. با بررسی آیات و روایات در می یابیم که رعایت عفاف شامل مردان نیز می شود و نیز در لزوم رعایت عفاف، تفاوتی بین افراد زن و مرد وجود ندارد. (سوره نور، آیه ۳۳) اما به علت طبیعت و روحیه زنان، اسلام برای آن که قدر و ارزش زن ها محفوظ باشد با مقرر داشتن حکم پوشش، زنان را از سهل الوصول بودن مصون داشته و با حجاب محدوده مطمئن تری پیرامون او قرار داده است. (سوره نور، آیه ۳۰) بنابراین برای سالم سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد تا سلامت و امنیت اجتماعی در جامعه پایدار شود. قرآن کریم، زنان ایده آل را که در بهشت جای دارند، به مروراید محبوب و پوشیده در صدف تشبیه می کند: «كأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ». (سوره واقعه)

هیچ گوهر فروشی گوهرهای ناب و قیمتی خود را در معرض دسترس افراد قرار نمی دهد. استاد شهید مطهری در این باره می فرماید: «حرکات و سکنت انسان گاهی زبان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن، سخن گفتن زن معنا دار است و به زبان بی زبانی می گوید: دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن؛ گاهی بر عکس، با زبان بی زبانی می گوید: دست تعرض از این حریم کوتاه است.» (مساله حجاب ص ۱۲۶) بررسی ابعاد مختلف عفاف و گستره آن در شئون فردی و اجتماعی دامنه وسیعی دارد که با استعانت از قرآن و سنت به چند مورد آن اشاره می کنیم:

## عفت در اندیشه

عقل یکی از عوامل موثر در تعدیل خواهش های نفسانی و رام کردن غرایز بشری است، هر چه تفکر انسان متعادل شود و با فطرت کمال جویی او بیشتر منطبق باشد، سریعتر راه تکامل را می پیماید. امیر المومنین علی علیه السلام می فرماید: «من عقل عفا» هر آن کس که عقل دارد عفت دارد.

## عفت در نگاه:

ارزش و اهمیت این موضوع از این باب است که چشم، دروازه دل است و آنچه از این دریچه وارد باطن شخص می گردد، گاهی او را به سر منزل سعادت و گاهی به ورطه سقوط و ذلت می کشاند، چنانچه امام علی (ع) می فرماید: «العين رائد القلب» چشم، دل را بدنبال خود می کشاند. از آنجا که خداوند خالق انسان است و نسبت به تمام صفات و اخلاقیات او آگاهی کامل دارد و مصلحت و مخیر و صلاح آدمی را بهتر از هر کسی می داند عفت در نگاه را توصیه فرموده است و مومنین را از نگاه های اوده بر حذر می دارد: «قل للمومنین یغضوا من ابصارهم .....» و قل للمومنات یغضضن من ابصارهن.. (سوره نور / آیه ۳۰ و ۳۱) بیان صریح این آیات مبنی بر حرمت نگاه کردن مرد و زن نامحرم به یکدیگر است.

## عفت در معاشرت

انسان موجودی است که به صورت انفرادی معاشرت نمی کند؛ یعنی برای ادامه زندگی نیاز به روابط اجتماعی دارد. در این میان زن نیز همچون مرد وجودی اجتماعی است و برای تامین نیاز های خود باید در اجتماع حضور یابد. آنچه مسلم است و از قرآن و سیره پیامبر ص و ائمه اطهار دریافت می شود این است که زنان با رسول اکرم ص و امامان بزرگوار معاشرت و گفتگو داشته اند حتی قرآن بیعت با زنان را که یکی از بارزترین نمونه های مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان است پذیرفته. (سوره ممتحه / آیه ۱۲)

## عفت در زینت

تمایل انسان به زیبایی و جمال با سرشت او آمیخته شده است، در کتب اسلامی روایات بسیاری درباره ارزش زیبایی و جمال انسان آمده است. از جمله پیامبر اکرم ص فرمودند: «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود» (سفینه البحار ص ۵۴۶) بر شما باد که با خوب رویان نمکین صورت و مشکین چشم معاشرت کنید» امیر المومنین نیز در این باره فرمودند: «حسن وجه المومن حسن عنایه الله به» (غرر الحکم ص ۳۷۹) روی زیبایی مردم با ایمان عنایت نیکوی خداوند به آنان است. بنابراین این خداوند نهی از زینت نمی کند بلکه آنچه مذوم است و مورد نهی واقع شده است نهی از تبرج (سوره احزاب/ ۳۳) و مانند دوران جاهلیت خود ارایه نکنید.



۱۸

## عفت در کلام

قرآن به ما دستور می دهد به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند (سوره احزاب/ ۳۲) بنابراین از نظر قرآن هر گونه ناز و غمزه در کلام با ادا و اطوار سخن گفتن تغییر صدا که شهوت ران را به فکر گناه می افکند و هر گونه سخن باطل و غیر حقی مردود است

## عفت در ستر (حجاب)

به جرات می توان گفت که یکی از پر دامنه ترین موضوعاتی که در دنیای امروز راجع به زن و حیات اجتماعی او مطرح است موضوع ستر یا حجاب زنان می باشد (گنجینه عفاف، گوهر حجاب مرکز فعالیت های دینی شهرداری تهران) این شهر آشوب و قطب راوندی روایت کرده اند که روزی حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) محتاج به قرض شد و چادر حضرت فاطمه (س) را به نزد مرد یهودی که نامش زید بود رهن گذاشت و آن چادر از پشم بود و قدری از جوبه قرض گرفت. پس یهودی آن چادر را به خانه برد و در جهره گذاشت، چون شب شد زن یهودی به آن جهره درآمد نوری از آن چادر ساطع دید که تمام جهره را روشن کرده بود چون زن آن حالت غریب را مشاهده کرد به نزد شوهر خود رفت و آنچه دیده بود نقل کرد. یهودی از استماع آن حالت در تعجب شد و فراموش کرده بود که چادر حضرت فاطمه (س) در آن خانه است به سرعت شتافت و داخل آن جهره شد که دید شعاع چادر آن خورشید فلک عصمت است که مانند بذر منیر خانه را روشن کرده است، یهودی از مشاهده این حالت تعجبش زیاده شد پس یهودی وزنش به خانه خویشان خود دویدند و هشتاد نفر از ایشان را حاضر گردانیدند و از برکت شعاع چادر فاطمه (س) همگی به نور اسلام متور گردیدند. (محمد باقر مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۰) / محمد محمدی اشتهدادی، سیره چهارده معصوم (ع)، ص ۶۴

# کلیپ های تصویری

www.afsaran.ir/ganjine/3



خروس قندی های یواشکی  
www.afsaran.ir/link/630706



دوباره اسیر نمی شوی  
www.afsaran.ir/link/641501



در جنگ نرم چریک باشید  
www.afsaran.ir/link/627723



منظور ما از فرهنگ، فرهنگ انقلابی است  
www.afsaran.ir/link/647286



پویانمایی فرجام شرارت  
www.afsaran.ir/link/647454



پویانمایی صاعقه  
www.afsaran.ir/link/647454



پویانمایی پشتم گرمه  
www.afsaran.ir/link/652290



# بخشی از وصیت نامه شهید وحید رزاقی



۲۰

ای مردم، ای آنهایی که هر وقت مصیبت امام حسین به گوشتان می رسد می گریید و قلبا آرزو داشتید تا بودید و فرزند علی را یاری میکردید تا طفل شیر خواره اش، علی اصرر شش ماهه شهید نشود، تا زینب و اهل بیت اسیر نشوند. اینک بدانید و به گوش دل بشنوید که زمان، همان زمان است و حسین، همان حسین است.

ندای هل من ناصر، همان صداست. یزید هم در لباس دیگری همان یزید است و اینجاست که آزادمردانی چون حر مشخص گردند، اینجاست که همچون عباس، وفادارها مشخص گردند. اینجاست که حبیب ابن مظاهرها مشخص گردند و اگر کمی به عقب برگردیم، اینجاست که همچون حنظله ای که یک شب عروسی کرده و حتی فرصت غسل هم نیافته، مشخص گردد.

بیا و رخت همت را بر تن پوش، بیا و شمشیر علی اکبر را در دست گیر، بیا و پرچم ابوالفضل را بلند کن و نهایتا بیا و چون علی بگو «فزت ورب الکعبه»

ای دوستان و عزیزان همسنگر، امروز دار عمل است و فردا دار حساب؛ ندای وانفسای ما را در صحرای قیامت به یاد بیاورید و اندکی تامل کنید که برای چه خلق شده ایم. خداوند آزمایش میکند به راهی که شاید به فکر هم نرسد. جهاد را در نظر داشته باش و به یاد آر آیه ای را که خداوند بعد از ایمان به خدا، بهترین تجارت را جهاد می داند و بدان که این سخن حق است و خداوند تخلف نمیکند و آنگاست که بعد از یقین، خداوند راه سعادت را می نمایاند و خوش به حال آنانی که تشخیص این امر را بدهند که همانا سعادت دنیا و آخرت را خریده اند.

پدر و مادر و همه اهل خانواده بدانند که خدا مرا در این راه یاری کرد و خدا شما را دوست داشت که چنین امری را بوجود آورد. خداوند وقتی کسی را دوست داشته باشد او را در بلا و مشکلات قرار میدهد و بدانند که ما در این راه گامی به غیر از این نمیتوانستیم برداریم، در غیر اینصورت برابر بود با پستی.

شما را به خدا قسم کمی فکر کنید که این دنیا با تمام زیبایی اش، سرای گذر است و پلی است که همه ما در حال رد شدن از آن می باشیم و سختی و مشکلاتش برابر است با راحتی و سعادت آخرت. پس دنبال توشه ای باشید که قیمتش گران تر و بارش سنگین تر و اخلاص در آن توشه نیز بیشتر باشد.

# خانکینا افلاکی



نیت کردم؛ چهل روز روزه بگیرم و دعای توسل بخونم.  
 بعد از این چهل روز هر کسی آمد، جواب نه نمی نشنود.  
 شب سی و نهم یا چهلم بود که ابراهیم آمد خواستگاری.  
 آمده بود بله را بگیرد. بهش گفتم: «من مهریه نمی خواهم.  
 راضی کردن خانواده با شما.»  
 خیلی راحت گفتم: «من وقت این کارها را ندارم.»  
 با عصبانیت گفتم: «شما که وقت ندارید، چرا می خواهید ازدواج کنید؟!»  
 گفتم: «درست است که وقت ندارم، ولی توکل که دارم.»  
 مراسم با خرید یک حلقه برای من و یک انشگتر عقیق برای حاجی،  
 خیلی ساده برگزار شد



## بهائیت در ایران

استعمارگران با تجربه ای که از جنبش های ضد استعماری در ایران به دست آوردند تصمیم گرفتند تا پایه های اعتقادی مذهب را مورد تردید و تزلزل قرار دهند، مشکل اصلی آنان با ملت متحد ایران بود. عنصر اساسی اتحاد مردم که رهبری، تشکیلات و اقتدار سیاسی هم داشت مذهب «شیعه» بود. بنابراین در ایران مرامی را بدعت گذاشتند که بعدها به نام «بهائیت» مشهور شد. بعد از جنگهای ایران و روس، دولت ایران عمدتاً در دست روسیه بود و انگلستان نیز اعمال نفوذ در آن داشت. از دوره ی ناصرالدین شاه به بعد هم انگلیسی ها به صف حامیان جدی این فرقه های تقسیم کننده ی ملت به گروه ها و اعتقادات گسسته، پیوستند.

بهائی گری به عنوان یک جنبش اجتماعی در قرن ۱۳ هجری (۱۹ میلادی) در ایران به وجود آمد. بهائیت فرقه ای منشعب از بابی گری است. بنیانگذار فرقه بهائیت «میرزا حسینعلی نوری» معروف به بهاءالله است. او فرزند میرزا عباس نوری است و در سال ۱۲۳۳ قمری در تهران به دنیا آمد. بعد از اعدام باب، میرزا حسینعلی «بهاءالله» با زیرکی و شگردهای فریبکارانه زمام کارها را در دست گرفت.

او پس از رسیدن به عکا در فلسطین به صورت کامل و علنی دست از ادعای نائب باب بودن برداشت و رسماً خود را پیامبر نامید و فرقه ی بهائیت را بنیان گذاشت که فوراً از جانب دولت روسیه به رسمیت شناخته شد. دولت استعماری روسیه پس از به رسمیت شناختن فرقه ی ضاله ی بهائیت به عنوان یک دین، همه گونه امکانات در اختیار آنها گذاشت.

مرگ میرزا حسینعلی و بحران جانشینی، اختلافات و درگیری های زیادی را در میان فرزندان او به دنبال داشت. «عباس افندی» پسر ارشد او که بعدها «عبدالبهاء» لقب گرفت، جانشین وی شد. عباس افندی در سال

۱۹۱۱ میلادی به اروپا و آمریکا مسافرت کرد و این سفر بر نگرش و عقاید عبدالبهاء تأثیر عمیقی بر جای گذاشت. او در جریان جنگ جهانی اول خدمات زیادی برای انگلستان انجام داد و پس از پایان یافتن جنگ، به پاس این خدمات، طی مراسمی لقب «سر» و نشان «نایت هود» که بزرگترین نشان خدمتگزاری به انگلیس است، به وی اعطا شد.

بدین صورت بهائی گری به عنوان ستون پنجم و یکی از ابزارهای سیاست استعماری انگلیس و نیز آمریکا مبدل شد. پس از عبدالبهاء، «شوقی افندی» ملقب به «شوقی ربانی» فرزند ارشد دختر عبدالبهاء بنا به وصیت عبدالبهاء جانشین وی گردید. شوقی در زمان حیاتش از تأسیس دولت صهیونیستی حمایت و مراتب دوستی بهائیان را نسبت به اسرائیل ابلاغ کرد.

اسناد و مدارک تاریخی نشان می دهد که محفل بهائیت در ایران مدتها پیش از کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹، توسط حبیب الله عین الملک (پدر هویدا) به وجود آمد. آغاز حکومت رضاخان با ابتدای رهبری «شوقی افندی» همراه بود. نفوذ بهائیان در دولت اگرچه در دوره ی حکومت رضاخان آغاز شد، اما در حکومت پهلوی دوم به اوج خود رسید به طوری که اکثر وزرا و کارکنان حکومت از بهائیان بودند. در واقع این دوران را باید یکی از مناسبترین ادوار برای رشد و گسترش سریع «بهائیت» در ایران نامید.

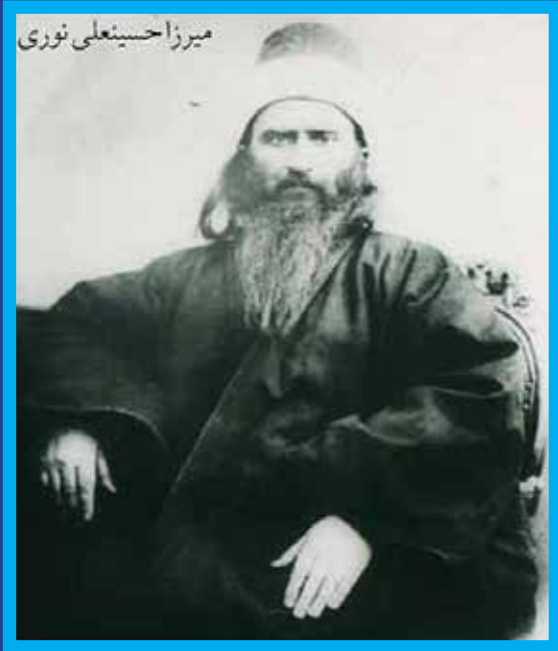
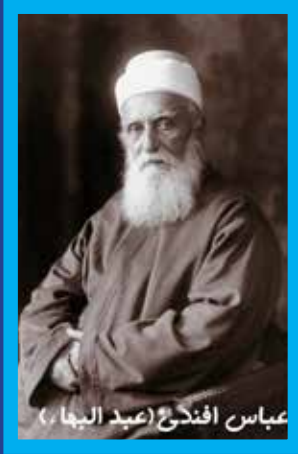
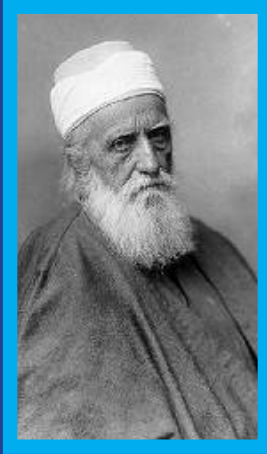
آنها با آزادی هایی که داشتند مهم ترین مناصب حکومت همچون: وزارت فرهنگ، آموزش و پرورش و... را به دست گرفتند و بدین ترتیب شریان های حیاتی حکومت در دستان آنان قرار گرفت. با روی کار آمدن «حسنعلی منصور» برای نخستین بار پای بهائیان به کابینه ی وزیران ایران باز شد. یکی از نخستین بهائینی که با برنامه ریزی قبلی در حوزه ی فرهنگ و هدایت

افکار عمومی ایران در دوره ی پهلوی فعال شد، «فرخ دین پارسای» بود. او از اوایل حکومت رضاخان تا سالهای پایانی عمر خود در اواسط سلطنت محمدرضا پهلوی نقشی درجه اول و کلیدی در کار اداره ی مطبوعات و سمت و سو دادن به فعالیت زنان و رواج ابتدال و ولنگاری در بین آنان داشت. او یکی از چهره های مرموز مطبوعات دوران پهلوی بود و به عنوان نماینده ی حضیره القدس بهائیان، در بیشتر حوادث و فعل و انفعالات مربوط به حوزه ی زنان نقش داشته است. مهم ترین بهائی شاغل در دستگاه سلطنت محمدرضا پهلوی، «امیر عباس هویدا» بود که حدود ۱۵ سال در منصب وزارت بود. در یکی از گزارش های ساواک به بهائی بودن او اشاره می شود.

قبل از انقلاب تلقی مردم ایران از بهائیان تلقی یک فرقه ی ضاله ی ضد اسلام و ضد ملیت بود. این طرز تلقی بعد از انقلاب نیز نه تنها تغییر نکرد بلکه شدت یافت. تا سال ۱۳۶۲ بهائیت به طور مخفیانه به فعالیتهای تشکیلاتی خود ادامه داد. در این سال دادستانی کل کشور با انتشار نامه ی رسمی هر گونه فعالیت تشکیلاتی بهائیت در ایران را ممنوع اعلام کرد. مشاغل حساس و غیر حساس دولتی و بعضاً غیر دولتی، که در رژیم پهلوی به فراوانی در اختیار آنان قرار داده شده بود از آنان پس گرفته شد و از کلیه ی مراکز نظامی، فرهنگی و هنری اخراج شدند. امروزه این فرقه با مرکزیت اسرائیل و بیشترین طرفدار در آمریکا در سطح جهان دارای سه شاخه ی اصلی است و مورد حمایت کشورهای سلطه گر می باشد. به نظر می رسد علت حمایت کشورهای فوق از آنان این باشد که نشر عقاید بهائیت یکی از وسایل مهم برای مقابله با حرکت های اسلامی به خصوص در منطقه ی خاورمیانه باشد.

نویسنده: Parvaz77





بیت العدل - مقر بهایان در آمریکا



مقابل همه آنان قدرت نمایی کند...» یک بعد دیگر اهمیت این روز این است که ملت مسلمان فلسطین خود را تنها و رها شده نمییند و وقتی با حمایت کشورهای اسلامی و حتی سایر کشورهای غیر مسلمان جهان مواجه می شود امید و روحیه ی مقاومت و ایستادگی شان بیشتر می شود و با قدر تی زیادتر از گذشته از حق خود دفاع خواهند کرد.

سخنان امام خامنه ای هم اهمیت این بعد از مسئله را نشان می دهد:

«امروز، مبارزین فلسطینی و ملت مظلوم فلسطین، نیاز به حمایت جهانی و دلگرمی از سوی برادران مسلمان خودشان دارند، من به مردم عزیزمان و همین طور به همه ملت‌های مسلمان توصیه می‌کنم که ان‌شاءالله این روز را از گذشته گرمتر و پرشورتر برگزار کنند. این، به مبارزه و اصلاح امور فلسطینیها کمک خواهد کرد...»

در آخر باید گفت که انتخاب روزی به نام «قدس» این مسئله را از یک مبارزه ی صرفا داخلی، خارج کرد. به فرموده حضرت امام، روز قدس یک روز جهانی است. روزی که هر کدام از ملت‌های جهان که مورد ستم از طرف کشورهای زورگو همچون آمریکا و اسرائیل قرار گرفتند، با ملت فلسطین همدردی میکنند و نجات و حمایت از کشورهای مظلوم از دست کشورهای ظالم را وظیفه ی خود می دانند. نکته ی کلیدی این است که فقط با عنصر «اتحاد» میتوان با ظالم مقابله کرد و هر جایی که اتحاد بین مسلمانان گسسته شد سرانجامش جنگ‌های طولانی مدت و نرسیدن به پیروزی کامل است.

نویسنده: parvaz77

از طرفی تلنگر زدن به مردم دنیا که باید با ظلم و زورگو، هر کس و هر کجا که باشد و به هر ملتی اعم از مسلمان یا غیر مسلمان که زور بگوید، باید ایستادگی کرد و اینکه سکوت یک خیانت به بشریت محسوب می شود.

در واقع با ابتکار حضرت امام و مطرح شدن فلسطین و جنایات اسرائیل در این منطقه وجدان‌های خفته در سطح جهان بیدار شدند و در حال حاضر کمتر کشور و رسانه ای است که در این مورد حرفی نزنند و عکس‌العملی نشان ندهند.

حضرت امام بعد از نامگذاری آخرین جمعه ی ماه مبارک رمضان به نام «روز قدس» فرمودند:

«روز قدس یک روز جهانی است، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز حیات اسلام است، روزی است که باید به همه ابر قدرت ها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما و عمال خبیث شما واقع نخواهد شد...»

«مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست و یک مسئله مخصوص به یک کشور و با یک مسئله مخصوص به مسلمانان جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته، و حال و آینده، از روزی که مسجدالاقصی پی ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است. و چه ننگ است برای دولت های اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرتهای جهان بنشینند و تماشاگر باشند که آمریکا ابر جنایتکار تاریخ یک عنصر فاسد بی ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده های ناچیز، عبادتگاه مقدس و قبله گاه اول آنان را از آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در

مسئله ی فلسطین و اشغال آن توسط رژیم صهیونیستی مسئله ی جدیدی نیست. بیشتر از نیم قرن است که از اشغال آن میگذرد و ساکنانش کمتر روزی را بدون بمباران سپری میکنند. در مورد جایگاه ویژه و اهمیت بیت المقدس همین کافی است تا بدانیم که اولین قبله ی مسلمانان بوده و معراج پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» از این مکان اتفاق افتاده است.

مسئله قدس همیشه مورد توجه ملت ما بوده است. امام خمینی (ره) در اوج قدرت رژیم پهلوی در مناسبت‌های مختلف رابطه های پنهان و آشکار پهلوی با اسرائیل و خطر آن برای جهان اسلام را بیان میکردند. مثال روشن این روشنگری ها صحبت‌های حضرت امام است در ۱۳ خرداد ۴۲ که سرانجام به تبعید ایشان به ترکیه و اتفاقات بعد از آن انجامید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و الهام گرفتن فلسطینیان از آن روح تازه ای بر پیکره ی نیمه جان مقاومت دمیده و اسلام وارد صحنه مبارزاتی مردم فلسطین شد. با ابتکار حضرت امام آخرین روز ماه مبارک رمضان هر سال «روز قدس» نام گذاشته شد. این ابتکار از اولین ماه رمضان بعد از پیروزی انقلاب عملی شد.

با کمی دقت در این کار به ظاهر ساده می توان متوجه شد مطرح کردن چنین روزی آن هم در کل جهان اسلام چه تأثیر عمیقی در بیدار ساختن جهان اسلام و حتی کل مردم جهان داشته است.

به دلیل مسلمان بودن مردم فلسطین این موضوع به طور ویژه مربوط می شود به جهان اسلام و عکس‌العملی که باید در این موضوع داشته باشند و





# تصاویر راهپیمایی روز قدس



# کلیپ های صوتی



**چگونه باید کار فرهنگی انجام بدهیم؟**  
<http://www.afsaran.ir/link/593853>

**شیطان مخالف کار فرهنگی است**  
<http://www.afsaran.ir/link/646168>



**خاطره ای عجیب از امام خامنه ای در شروع جنگ**  
<http://www.afsaran.ir/link/647373>

**خوشحال کردن مومن**  
<http://www.afsaran.ir/link/647385>



**دنبال آرزوهای دراز ندوید**  
<http://www.afsaran.ir/link/647378>

**خودمان را تسلیم قرآن کنیم**  
<http://www.afsaran.ir/link/642166>



**تأثیر خواندن قرآن در خانه**  
<http://www.afsaran.ir/link/647368>

**صحبت دختر سه ساله با امام زمانش**  
<http://www.afsaran.ir/link/647374>



**پادکست آقا بیا**  
<http://www.afsaran.ir/link/621562>



## مصاحبه با یک مولتی یوزر

مدت ها بود که دوست داشتم با یک مولتی یوزر مصاحبه ای داشته باشم شما هم اگر مثل من دوست دارید حرف های یک مولتی یوزر رو بشنوید همراه ما بشید البته نامی از این فرد برده نخواهد شد.....

سلام آمده هستید مصاحبه رو شروع کنیم؟

مولتی یوزر: علیک سلام بله من کاملا آماده هستم .

من میتونم شما رو مولتی یوزر خطاب کنم؟

مولتی یوزر: آره چرا که نه به هر حال همین مولتی یوزر بودن من باعث شده با من مصاحبه کنید دیگه

بسیار خب شروع میکنیم این رو هم بگم که شما میتونید از کل سوالاتی که از شما میپرسم به ۲ سوال پاسخ ندید..... شما دارای چند یوزر هستید؟

مولتی یوزر: اجازه بدید بشمارم ..... در کل ۹ یوزر ولی ۳ تا از یوزر ها رو غیر فعال کردم

میتونم بپرسم چرا ۳ تا یوزر هاتون رو غیر فعال کردید؟

مولتی یوزر: اینو بزارید به حساب همون ۲ سوال

هدفتون از این مولتی یوزر بودن چی هست؟

مولتی یوزر: هدف که رسیدن به قله های ترقی بوده !! اولش به خاطر مثبت گرفتن لینک ها و پیامک هام بود حتی تصمیم داشتم ۲۰ یوزر داشته باشم که دیگه نیازی به مثبت دیگران نداشته باشم و بقولی آقای خودم باشم و منت حاتو طایی نکشم ! ولی بعد از مدتی دیگه برگزیده شدن لینکها و پیامک ها هم واسم بی اهمیت شد هم تکراری

خب پس چرا هنوز مولتی یوزر هستید ؟

مولتی یوزر: الان بیشتر وقتی بحثی بین بچه ها پیش میاد میروم و نظر خودم رو میگم و با بقیه یوزر های خودم شروع می کنم از خودم طرفداری کردن البته فقط این نیست میشه خیلی کار های دیگه هم با مولتی بودن انجام داد..... کلا صفایی که در مولتی یوزر بودن هست در کشیدن قلیان نیست !

تا حالا شده یوزر هاتون رو با هم اشتباه بگیرید و لو برید؟



مولتی یوزر: من از شما شناخت خوبی داشتم شاید اگر فرد دیگه ای بود من مصاحبه نمیکردم

ولی برای محکم کاری هم که شده این یوزر خودم رو هم غیر فعال خواهم کرد و یکی دیگه خواهم ساخت تا ویتترینم کم تعداد نشه !

الان حرفتون با کسانی که تصمیم دارن مولتی یوزر بشن چیه؟

مولتی یوزر: چی بگم والله اینها همش اثرات وجود «رفیق ناباب» !! هست .. فقط این رو میگم که اگر به گذشته برگردم این کار را نخواهم کرد واقعا این رو میگم از ته دل .. مثل اعتیاد میمونه نمیتونم ترکش کنم ولی دوست دارم که ترک کنم .. یه مرکز ترک اعتیاد خوب سراغ ندارید !!!!

قبلا یکی ساختن .. نمیدونم الان فعاله یا نه ! دوست داشتید در این مصاحبه چه سولی از شما می پرسیدم که نپرسیدم ؟

مولتی یوزر: دوست داشتم سوال می کردید که که توی این ۹ یوزری که داشتید و دارید شده جنسیت خودتون رو به دروغ بگید؟

خب من الان این سوال رو از شما میپرسم

مولتی یوزر: واقعا نه نشده فقط یک یوزر رو زدم نامعلوم بقیه همون جنسیت خودم بود.

من دیگه سوالی ندارم خیلی لطف کردید که حاضر به مصاحبه شدید ممنوم از شما

مولتی یوزر: خواهش میکنم خدانگهدار

نویسنده: Afsar0313

مولتی یوزر ( با خنده) :

راستش این همون سوالیه که نخواستم بهش پاسخ بدم یعنی بله شده به همین خاطر اون ۳ یوزر رو غیر فعال کردم پس من هنوز ۲ فرصت برای پاسخ ندادن به سوال دارم درسته؟

حالا ببینیم چی پیش میاد شاید..... آیا تصمیم دارید باز هم به یوزر های خودتون اضافه کنید چرا؟

مولتی یوزر: نه نه به هیچ وجه حتی شاید همین یوزر هایی رو که دارم رو هم غیر فعال کردم البته به جز یوزر اصلی خودم گرچه اینها همش فرضه !

آهان پس شما یک یوزر اصلی دارید و بقیه در واقع فرعی هستند

مولتی یوزر: بله دقیقا

آیا ممکنه یک روز از افسران خدا حافظی کنید ؟

مولتی یوزر: نه به هیچ وجه

الان این یوزی که دارید با من مصاحبه میکنید یوزر اصلی شما نیست؟

مولتی یوزر: معلومه که نیست

کسی به غیر از خود شما از این مولتی یوزر بودن شما خبر داره؟

مولتی یوزر: نه هیچ کس من فوق العاده آدم رازداری هستم

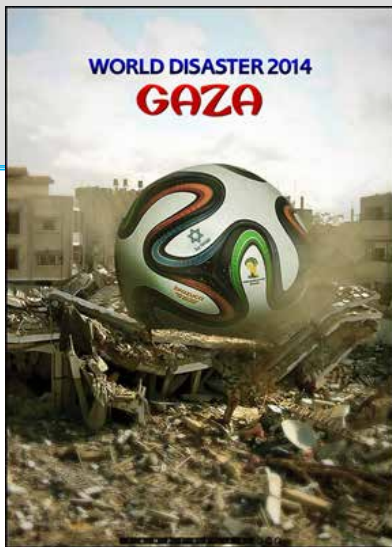
ولی من الان یکی از یوزر های شما رو میدونم چی شد که تونستید به من اعتماد کنید و حاضر به مصاحبه شدید



# توليدات طنز افسران

www.afsaran.ir/ganjine/5





در همراهی با مردم مظلوم غزه و در جهت محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی، کاربران سایت و گروه های عملیاتی، تولید محتوا در این زمینه را آغاز کردند. این فعالیت ها شامل تغییر چهرک، تولید پوستر، نوشتن مقاله و دلنوشته می باشد



از زمان نوشتن اخبار نشریه شماره ۱۸ تا کنون، چهار برنامه دیگر از رادیو افسران منتشر شد.  
برنامه های شماره ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸

- <http://www.afsaran.ir/link/617200>
- <http://www.afsaran.ir/link/630268>
- <http://www.afsaran.ir/link/643737>
- <http://www.afsaran.ir/link/655748>



گروه کانون نویسندگان با هدف انسجام نویسندگان سایت و انجام عملیات های محتوایی و حمایت از نوشتارهای تولید شده تاسیس شد.  
لینک های این گروه را می توانید در این آدرس ببینید:  
[afsaran.ir/group/1143](http://afsaran.ir/group/1143)

به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمان فعالیتهای مختلف سایت انجام میشود از جمله تولید محتوا با محورهای تعیین شده قرآنی در گروه ها و همچنین برگزاری مسابقه «جام حذفی قرآنی»

### برترین پیامک ها

حدودای ۴:۳۰ صبح، وضو گرفتم و آماده شدم برای نماز صبح یه کارتون آوردم و انداختم جلو مغازه و خلاصه شروع کردم به خوندن نماز نمازم که تمام شد دیدم سه نفر دیگه هم منتظرن بیان رو اون کارتون و ایستند نماز بخونن  
برام خیلی جالب بودش!! قبلا هم پیش آمده بود که سرنشین های یه ماشینی وقتی دیدن من نماز میخونم آمدن و رو همون کارتون نمازشون رو خوندن!  
شروع خوبی برای امروز بود :)  
این هم یکی از #آزادی-های-علنی ما

Bravo

درسی که من از بازی با آرژانتین گرفتم خیلی وقتها خود ما و رسانه هامون همسو با رسانه های دشمن از رقیب (دشمن) یک گولی میسازیم که دسترسی بهش ممکن نیست. بهش هزارتا لقب میدیم کهکشانی و مشت آهنین و...  
اما واقعا رقیب گول نیست اون هم یه ادمه یه ملت مثل ما  
باتلاش عالمانه و مجاهدانه همیشه فاصله هارو خیلی کم کردوحتی سبقت گرفت  
چه تو ورزش چه تو علم چه تو فناوری چه تو اقتصاد  
قهرمانان واقعی شهیدان اسلامند  
بیاد مصطفی

Hojjat

### برترین لینک ها



این لینک توسط کاربر bravo از طرف افسران جهت حمایت از مردم مظلوم غزه ارسال شد



کاریکاتوری در بی توجهی جامعه جهانی به حوادث غزه که توسط کاربر noname ارسال شده است



پوستری بسیار زیبا با عنوان پیمان با امام که توسط کاربر shiaart طراحی و ارسال شده است

طبق آمار رسیده از مدیریت سایت آمار کاربران به عدد ۳۳۶۴۰ رسیده است که نسبت به سال گذشته در همین زمان رشد ۱۹۶ درصدی را نشان میدهد.  
هم اکنون تعداد ۱۱۸۶ گروه در سایت هست که بسیاری از آنها کم فعال یا غیرفعال می باشند. خوب است کاربران قبل از ایجاد گروه در لیست موجود جستجو داشته باشند



# داستانک

## بر اساس داستانهای واقعی



ماشین آنچنانی و چقدر بهش افتخار میکرد بخصوص در مهمانی ها که باعث میشد چشم دختران فامیل و دوستان دربیاید! فرزانه صبورانه نگاه های سنگین اطرافیان رو تحمل میکرد. یکسال از ازدواج خواهرش گذشته بود و فرزانه ناراحت بود چون خواهرش دیگه نماز هم نمی خواند! همون حجاب شل و ول رو هم کنار گذاشته بود و دائمای پای ماهواره می نشست و هر روز یک مدل برای بیرون رفتن انتخاب میکرد و شوهرش هم ....

یکی دوبار برای فرزانه خواستگار آمده بود که نپسندیده بود. شب دوباره تلفن زنگ زد. یکی از خانومهای همسایه بود، برای پسر یکی از دوستانش می خواست وقت خواستگاری بگیرد. خیلی که تعریف میکرد ولی این تعاریف همیشه تو همه خواستگاری ها بوده!

خانواده عظیمی اومدن برای دیدن دختر. مادر پسر خیلی محترم بود و فرزانه از صحبتهاش و وقارش خوشش اومده بود. یه جورایی محبت اون خانوم به دلش افتاده بود و انگار واقعا دل به دل داشت ... مادر برای جلسه بعد و آوردن پسرش وقت گرفت.

محمدامین پسری با شخصیت و با ایمان بود. ظاهرش از شوهر خواهر فرزانه زیباتر نبود و زندگی ساده ای داشت ولی نگاه پاک و حرفای صادقانه اش قلب فرزانه رو گرفتار کرد.

مادر فرزانه خوشحال بود که بالاخره این دختر روی دستش نمود!

خدا به زندگی ساده و گاه پر مشکل (از لحاظ مادی) آنها دو فرزند سالم و خوش اخلاق عطا کرده و محمدامین ضرب المثل شوهر خوب درمیان خانواده و دوست و آشنا. فرزانه نمازش را خواند و شروع کرد به گفتن تسبیحات .. از صمیم قلب می گفت:

الحمد لله الحمد لله الحمد لله ...

گوشی فریبا مملو از جک های قومی بود و صحبت و غیبت در مورد همه چیز و همه کس هم در دایره او مجاز بود، اما برای فرزانه بحث های مفید و اجتناب از غیبت رجحان داشت و همیشه مانع تمسخر و غیبت میشد.

با اینکه دختران و خانومهای فامیل اکثرا مشابه فریبا بودند اما علاقه و احترامشان نسبت به فرزانه زیادتر بود. حرف فرزانه برایشان حجت شده بود. زن دایمی می گفت: «نمیشه جلوی فرزانه جان غیبت کرد. این اخلاقشو دوست دارم چون میدونم مطمئنا پشت سرم حرف نمیزنه و اگر هم کسی غیبتم رو بکنه ازم دفاع می کنه» دایمی هم با تایید حرف همسرش گفت هروقت برایش جوک این قوم و اون قوم رو می فرستم با یه تغییر بحال، پاستوریزه اش می کنه و برام می فرسته .. اینقدر لذت می برم که نگو ..»

با اینحال فرزانه مثل فریبا خواستگار نداشت. خواستگاری عجیب و غریب فریبا میامدند و می رفتند و منتظر جواب فریبا بودند. فریبا دنبال یک مورد خوش تیپ و پولدار و خوش مشرب بود قیافه های عجیب و غریب خواستگارش رو مرتب سبک و سنگین میکرد. هرچی فرزانه بهش میگفت دنبال اخلاق خوب و ایمان باشه گوشش بدهکار نبود. می خواست پسری رو انتخاب کنه بعدا بتونه بین دخترای فامیل پز بده!

دیگه کم کم داشت زمان عقد فریبا میرسید و هنوز فرزانه ازدواج نکرده بود. مادرش می گفت حیف چهره قشنگ تو نیست که به خاطر چادرت و اخلاقت ترشیده بشه؟! حرفای خانواده اش مثل خنجر در قلبش فرو

می رفت ولی یه وعده های خدا امیدوار بود «و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ»

فریبا ازدواج کرد با پسری با همون مشخصات که می خواست. پسری با ظاهری زیبا و

کشوی کمدرامی کشد و از بین چندرنگ ساق دست، ساق دست مشکی اش را با اطمینان خاطر برمیدارد و میپوشد، از بین روسری ها هم تیره ترینشان را انتخاب میکنند...مهمانی امشب را باید با چادر دانشجویی اش برود تا کمک به میزبان برایش راحت تر باشد و کم تر بشنود از دیگران که چادر دست و پاگیر است و مانتوات مناسب، میتوانی چادرت را از سرت برداری، هربار برای ملطفت شدن دیگران، باید تکرار کند که من راحت ترم این شکلی و مشکلی نیست.

بعد از برگشت از مجالس مهمانی، میدانست که باید به خاطر نوع پوششش از مادر و خواهرش سرکوفت بشنود...«فرزانه تو جوونی! نوع پوششت عینهو پیرزن هاست! بازم ساق دست مشکی پوشیدی؟! چه خبره؟! چرا روسریتو اینقدر کشیدی جلو؟! و...»

جوابش در برابر همه این حرف ها سکوت بود و بس، از وقتی تصمیم گرفته بود حجاب کامل داشته باشد هر روز همین آش بود و همین کاسه. تمامی این حرف ها برایش باد هوا بود که می آمدند و می رفتند، تنها دلخوشیش دل گرمی ای بود به انتخاب راه صحیح و رضایت خداوندی خدا.

فریبا، خواهر فرزانه اکثر اوقات به صورت خیلی ملایم آرایشش را داشت و لباس ها و روسری های رنگ روشن تری را می پوشید، با وجود کمتر بودن سنش از فرزانه بود خواستگارهای بیشتری داشت البته از جنس خودش! کسانی بودند که ظاهر برایشان اهمیت بیشتری داشت اما خواستگارهای ش رو به فلک بود، مردم کوچه و بازار ظاهر فریبا را بیشتر می پسندیدن، عقل مردم به چشمشان بود گرچه مهربانی و گذشت و زیبایی درون فرزانه، قابل وصف نبود، افسوس که این زیبایی برای مردم شهرشان فرصت بیشتری برای بروز میخواست.

# گرافیک اطلاع رسانی حرفی برای تمام فصول

امروز، هر کس که در هر نقطه از این کشور یک  
آیه از قرآن را برای مردم تبیین کند به نظام  
جمهوری اسلامی کمک کرده است  
امام خامنه ای

به مناسبت ماه مبارک رمضان ، ماه بهار قرآن  
اینفوگرافیکی نشریه ی افسران بدین منظور بر  
اساس بیانات امام خامنه ای تهیه و تنظیم کرده  
است

## دریای عمیق

هر چه بیشتر با قرآن انس پیدا کنید، دل سنگی تان به قرآن بیشتر  
میشود.  
قرآن مثل یک دریای عمیق است. در سطح انسان چیز هایی را  
می بیند اما اگر کسی اهل غواصی باشد در عمق چیز های تازه  
ای مشاهده میکند. هر چه به اعماق بیشتر فرو رود حقایق بیشتر  
چیز های تازه تر و مطالب عمیق تر در آنجا مشاهده  
میکند و این به برکت انس با قرآن حاصل میشود.

## تدبیر در قرآن

قرآن را همیشه و هر روز بخوانید - ولو کم - با توجه  
به معنا بخوانید و در مفاهیم قرآن تدبیر و تفکر کنید  
به تفاسیر مختصر ، در حد و وسع - به قدری که مجال  
دارید حتما نگاه کنید

## تشخیص قرآنی

آن زمانی که وطن کسی در این کشور و این جامعه حرفی  
زد و مطلبی گفت ، هر کس از جوان های این مملکت  
بتواند با آشنایی با قرآن ، تشخیص بدهد که این حرف باطل  
یا درست است؛ آن وقت ما با قرآن آشنا هستیم و فرهنگی  
قرآنی بر زندگی ما حاکم است.

## قرآن در متن زندگی

تسک ، فقط تلاوت قرآن نیست ؛  
قرآن باید در عمل و زندگی و رفتار و منش ما و  
حرکت عمومی ملت اسلام تجسم پیدا کند

برای مشاهده در اندازه اصلی از نشانی زیر استفاده کنید:  
[bayanbox.ir/id/7055875286794208828?download](http://bayanbox.ir/id/7055875286794208828?download)

طراح: arezou

# مصائب کلمه

اینبار برای مصاحبه سراغ مدیریت سایت افسران یعنی آقای حجت ملکی رفتیم .  
کمابیش اکثر افسران ایشون رو می شناسند . جناب ملکی فارغ التحصیل مهندسی برق و مدیریت MBA در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی دکتری مدیریت رسانه در دانشگاه تهران هستند که مسئولیت های مختلفی رو در کارنامشون ثبت کردند و الان هم مدیریت افسران رو به عهده دارند . ازشون به خاطر وقتی که در اختیار نشریه گذاشتند تشکرمی کنم



## سلام علیکم .. چطور شد پروژه ای به نام افسران کلید خورد ؟

علیکم السلام .... ابتدای پروژه افسران برمیگرده به مطالعه ای که من در ایام دانشجویی سر یکی از ارائه ها و کارهای دانشجوییم داشتیم که چندتا social news رو بررسی کردم . این مطالب سرکلاس ارائه شد بعد احساس کردم این سایتها ظرفیتی بیشتر از چیزی که من از لحاظ تجاری بهش نگاه می کنم دارند و مطالعاتم روی این سایتها رو از زوایا و دیدگاههای دیگه ادامه دادم... این بحث مال اوایل سال ۸۷ هست. چندتا شبکه اجتماعی رو بررسی کردم و پس از بررسی ، این ایده در ذهنم شکل گرفت که این سایت ها یک پتانسیل خیلی خوبی برای استفاده از ظرفیت های اجتماعی و همچنین ایجاد «جنبش های اجتماعی» و پیگیری «مطالبات اجتماعی» دارند. این طرح رو به سازمانها و نهادهای مختلف، چه دولتی و چه غیر دولتی، ارائه دادم اما خیلی جدی نگرفتند .. سال ۸۸ که فتنه اتفاق افتاد مسئولین به اهمیت رسانه های اجتماعی و نقششون در مسائل اجتماعی پی بردند. اولین جایی که برای شروع همکاری مشترک باهاشون به توافق رسیدم و گفتند که از این طرح حمایت می کنیم موسسه اطلس بود. البته قبلش می خواستم بطور خصوصی این کار رو انجام بدم ولی یک سری مشکلات جدی برای راه اندازی خصوصیش بود. مجتمع اطلس که این کار رو قبول کردند سعی کردم تیمی رو جمع کنم که این کار رو انجام بدیم. نفر دومی که از همون ابتدای کار وارد شد آقای نجفی بود . یک تیم ۵-۶ نفره تشکیل دادیم و حدود سه چهارماه کار مطالعاتی روی رسانه های اجتماعی مختلف انجام شد و به یک مدل مفهومی برای شبکه اجتماعی افسران رسیدیم . مسئله بعدی این بود که چطور وارد اجرای افسران بشیم . قرار شد آقای نجفی که فارغ التحصیل رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف بود و اون سال هم دانشجوی رشته مدیریت دانشگاه علامه بودن خودشون زحمت پیاده سازی نرم افزاری این رو بکشن و این بود که پروژه افسران شروع شد .

## محتوای افسران چقدر به اهدافی که برایش در نظر گرفته شده بود نزدیک هست؟

موقعی که افسران رو راه می انداختیم می خواستیم جایی باشه که مخاطبین حزب الهی ( با تعریفی که از این نوع مخاطب داشتیم ) بتونند کنار هم جمع بشن و به بحث و تبادل نظر راجع به مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بپردازند و در زمینه جنگ نرم فعالیت کنند یعنی بحث جنگ نرم خیلی جدی بود و باید یه کار خوبی برایش انجام میشد . ما باید سراغ مخاطب مورد نظرمون میرفتیم و افسران رو بهش معرفی می کردیم تا اینها باهاش آشنا بشن و فعالیت کنند . فکر می کنم مخاطب های اصلیمون رو جذب کردیم البته نه صد در صد .. احساس می کنم ۲۰ - ۳۰ درصد کسانی که باید ما رو می شناختند ، شناختند و تعداد خوبشون هم دارند تو افسران فعالیت می کنند . قاعدتا محتوا رو باید کاربرها بگذارند و مفهوم شبکه اجتماعی همین هست که کاربرها محتواش رو تولید کنند و سردبیری کنند. من برداشتم اینه که با محتوای مدنظر خودمون فاصله داریم و چیزی که الان هست رو نمی پسندم . البته به این معنی نیست که محتوای افسران بده .. ارزیابی من اینه که یک حجم خیلی خوبی از محتواهای خوب تو افسران وجود داره ولی اونطور که باید دیده نمیشه . خیلی از گروه ها تو افسران وجود داره که تولید محتوا در آنها به خوبی انجام میشه مثل گروه افسران گرافیکست و کانون نویسندگان و سایر گروه ها .. در این جاها محتوایی که ما می خواهیم و افسران رو برایش راه انداختیم هست ولی این محتواها دیده نمیشن و ما وظیمونه کاری کنیم که این محتواها بیشتر دیده بشن و انگیزه برای تولید این جنس محتوا بیشتر بشه.







## منظور از مخاطب حزب الهی چیه ؟

مخاطبی که مدنظر ما بود مخاطبی هست که واقعا دغدغه فعالیت تو جنگ نرم داشت. تو حوزه بحث های سیاسی هم به آدمهای سیاسی و جناح های سیاسی منحصر و محدود نمیشه . انگیزه ما این بود کسانی که نسبت به آرمان های انقلاب وفادار هستند در یک جایی کنار هم جمع بشن و با مهمترین جنگی که الان باهاش مواجه هستیم یعنی جنگ نرم شروع به مقابله کنند . منظورم از مخاطب حزب الهی چنین مخاطبی بود.

## اینها یک طیف هستند دیگه ؟ چون بین همین ها هم گاهی اختلاف و دعوا پیش میاد

مخاطب حزب الهی قطعا یه طیف هست و محدود به یک آدم نمیشه نمی تونیم بگیم طرفداران آقای فلانی یا فلانی .. این یک طیفی هست از کسانی که دغدغه انقلاب رو دارند و دنبال محقق کردن آرمان های انقلاب هستند . اینها از نظر ما ، مخاطب ما هستند.

## آیا در افسران واقعا به جنگ نرم پرداخته میشه ؟

بحث جنگ نرم یک مقوله خیلی مهمی هست که مصادیق متفاوتی داره . تعریف کلی تو حوزه جنگ نرم اینه که دشمن می خواد محاسبات مردم و مسئولین رو عوض کنه این محاسبات تو حوزه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی وجود داره یعنی همه فعالیتها در این حوزه ها می تونه فعالیت تو حوزه جنگ نرم باشه . خیلی ها برای این موضوع در بخش های مختلف افسران دارن فعالیت می کنند . گروه های خیلی خوبی فعالیت می کنند و محتوای تولیدی افسران نسبت به شبکه های اجتماعی دیگه خیلی بیشتر هست ولی آیا مطالب دیگه ای هم غیر از جنگ نرم در افسران هست؟ که باید گفت بله و با این هم موافق نیستیم که این مطالب در افسران نباشند چون بالاخره اینجا یک اجتماع هست و برای اینکه یک جامعه ای شکل بگیره یک سری نیازهایی هست که باید در کنار همدیگه برآورده بشن اما نباید بگذاریم موضوعیت

جنگ نرم از بین بره. من الان احساس می کنم داریم به همون سمت میریم و به همین خاطر فرهنگ سازی و حساس کردن کاربرها رو شروع کردیم . باید در این فضا مراقب باشیم و نگذاریم افسران فقط به معنای دور هم بودن یه سری آدمها باشه . این دور هم بودن خیلی مسئله مهمیه ولی این فقط یک قدم از کارهست .

## در مقایسه با سایر شبکه ها سایت افسران رو چطور ارزیابی می کنید؟

شبکه اجتماعی افسران برای مخاطب خاص ایجاد شده و نه برای هر مخاطبی . ما خودمون تمایل نداریم که هر مخاطبی لزوما تو افسران باشه . دوم اینکه برای مخاطب ایرانی هست و با سطح تکنولوژی ایرانی . به نظرم شبکه اجتماعی افسران از نظر کاربرها و از نظر محتوا از همه شبکه های اجتماعی داخلی خیلی خیلی قویتر هست ولی از لحاظ بحث های فنی مشکلاتی داریم که این مشکلات هم قابل مقایسه با شبکه های دیگه که از کدهای آماده استفاده کردن نیست . خدماتی که تو افسران میدیم خیلی متنوع تر از شبکه های دیگه هست چون ما خودمون این کدها رو تولید کردیم و می تونیم روش کار کنیم .

## انگیزه ما این بود کسانی که نسبت به آرمان های انقلاب وفادار هستند در یک جایی کنار هم جمع بشن و با مهمترین جنگی که الان باهاش مواجه هستیم یعنی جنگ نرم شروع به مقابله کنند

نکته بعدی مخاطب های اون سایت هست . از نظر فنی وقتی یک سایت دارید با دو سه هزار تا کاربر، مشکلات شما از یک جنسه ولی وقتی یک سایت دارید با سی و خرده ای هزار کاربر مشکلات کاملا متفاوت میشه و ترافیکی که در سایت بوجود میاد خودش مسئله درست می کنه . خیلی از این مشکلاتی که دارید می بینید به خاطر اینه که افسران وارد مرحله دیگری از زندگی شده و از نظر مخاطب و ترافیک وارد یک گروه دیگری از رسانه های اجتماعی شده

و به همین خاطر باید تغییرات جدی در زیر ساختهای افسران ایجاد بشه تا بتونیم به نیازهای مخاطب پاسخ بدیم که البته ۷۰ - ۸۰ درصد کار انجام شده و در گام های آخرش هستیم . امید داریم بعد از این تغییرات خدمات به کاربران و میزان رضایت آنها خیلی بهبود پیدا کند . در ضمن افسران یک social news هست و مقایسه اش با شبکه های اجتماعی مقایسه درستی نیست. اصلا کارکرد و ماموریت افسران با اونها متفاوت هست.

## گفتید تمایل ندارید هر مخاطبی وارد سایت بشه ولی کاربران به حضور افرادی مثل کاربر حامی اسرائیلی یا حامی فتنه گران اعتراض داشتند که چرا پروفایل اینها بسته نمیشه . جریان چیه ؟

ببینید این که ما تمایل نداریم با اینکه اینها بیایند یا نه دوتا مسئله متفاوت هست . ما یک سری ابزارهایی داریم برای اینکه تعیین کنیم چه کسانی وارد افسران شوند . اینکه میگیم تمایل نداریم یعنی سیاست کلی ما این نیست که اسرائیلی ها به افسران بیایند ، سیاست کلی ما این نیست که فتنه گران به سایت بیایند . کانالهایی که برای تبلیغ افسران داریم و تصویری که از افسران ارائه می دهیم برای مخاطب هدفی هست که می خواهیم وارد افسران شود ولی ممکنه یک اسرائیلی یا فتنه گر هم وارد سایت شود . ما با اینها طبق قانون برخورد می کنیم . ما یک قانونی در افسران داریم که تا وقتی کسی از قانون تخطی نکرده ما با اون برخوردی نمی کنیم . اینم عرض کنم که روزهای اولی که داشتیم مطالعه روی افسران رو شروع میکردیم یکی از بحثهای قدیمون این بود که وجود تفکر مخالف در افسران به بچه ها کمک می کنه و کسی که از بیرون آمد و افکار و حرفهای متفاوتی داشت رو نباید فوراً بیرونش کنیم و به این آدم تا وقتی به قانون افسران پایبند باشه اجازه حضور در سایت رو میدهیم . پس اگر کسی اینطوری بیاد اصلا چیز بدی نیست مثلا اون کاربری که از سرزمین های اشغالی آمد مطالبی رو مطرح کرد و باعث شد کاربران افسران به





می‌دیدم راه اندازی گنجینه هست . فلسفه راه اندازی گنجینه ، بها دادن به تولید محتواست . در آینده هم می‌خواهیم کاری کنیم که محتوای گنجینه خیلی بیشتر دیده بشه . اینها نگه داشتن ارزش هاست . در برخی مولفه‌ها هم رشد داشتیم مثلا اینکه ۱۰۰ نفر بشینیم با هم حرف بزنیم یک تاثیری داره و اگر روزی ۲۰۰۰ نفر لاگین کنند یک تاثیر دیگه داره . باید سعی کنیم در مواردی که تنزل داشتیم به سطح قبلی برگردیم و حتی بهتر هم بشیم و این کاملا شدنی هست و خود کاربرها باید انجامش بدن . مسئله دیگر این هست که وظیفه مدیر شبکه اجتماعی وظیفه اینقدری که بچه‌ها فکر میکنند نیست .

**بدیهه که در افسران دغدغه فعالیت در جنگ نرم از همه جا بیشتر هست . تعداد بسیار زیادی از کاربران افسران برای سرگرمی وارد این سایت نشده‌اند و دنبال فعالیت کردن هستند ولی در جوامع مجازی دیگر خیلی اینطور نیست . اینکه در افسران تولید محتوا کردن یک ارزش محسوب میشه و اگر کسی محتوا تولید کنه خیلی‌ها ازش تشکر و تقدیر می‌کنند و مطلبش بیشتر دیده میشه . اینک در افسران این چیزها خیلی ارزش هست و در جوامع دیگه اینقدر پررنگ نیست . به هر حال طی یک کار مفصل داریم مولفه هاشو استخراج می‌کنیم که ان شاء الله شاید بعدا بشه در قالب مقاله هم ارائه داد .**

شما شبکه‌های اجتماعی دیگر رو ببینید. مدیران هیچکدام از آنها به اندازه ما ورود پیدا نکردند و ورود ما از همه شبکه‌های دیگر بیشتر هست . البته قبول دارم این موضوع به خاطر ماهیت افسران هست اما این مطالباتی که از مدیریت افسران میشه رو خود کاربران می‌توانند خیلی راحت تر با ابزارهای موجود انجام بدن . خیلی‌ها غر می‌زنن که چرا فضای افسران اینطوری شده؟! درحالیکه خود همین آدمهایی که غر می‌زنند به محتواهای بی کیفیت رای میدن . بالاخره این محتوا که ۱۰۰ تا ۲۰۰ تا رای میاره همینطوری که رای نیآورده ، خود شماها این کار رو کردید ، یا باید بهش منفی میدادید یا محتوای باکیفیت رو رای میدادید . در این بحث‌ها ورود ما خیلی زیاد بوده درحالیکه خود کاربرها می‌توانند حلس کنند . باید اینها رو فرهنگ سازی کرد مثلا منفی دادن باید خیلی راحت تر انجام بشه و نباید توهین محسوب بشه . یک عده می‌گفتند اصلا منفی رو حذف کنیم که این پاک کردن صورت مسئله بود و من اینو قبول ندارم و به

که خودمون درست کردیم و من قبلا ندیدم جای دیگری وجود داشته باشه . با این دیدگاه که جامعه مجازی هم بالاخره یک جامعه هست و خیلی از پارامترهای جوامع حقیقی رو دارند ، شروع کردیم به تولید ادبیات . مثلا راجع به فرهنگ جوامع دانشگاهی مطلب وجود داره و کار شده ، راجع به فرهنگ سازمانی مطلب وجود داره ولی راجع به فرهنگ جوامع مجازی چیزی وجود نداره . تعریف کلی این فرهنگ هم یعنی یک سری ارزش‌ها و باورهایی که بین افراد جامعه مشترک هست ، نهادینه شده و گاهی در قالب بعضی نمادها خودشون نشون میده . در افسران شروع کردیم به تحقیق که این باورها رو استخراج کنیم . البته یه سری مواردش کاملا مشخصه . مثلا بدیهه که در افسران دغدغه فعالیت در جنگ نرم از همه جا بیشتر هست . تعداد بسیار زیادی از کاربران افسران برای سرگرمی وارد این سایت نشده‌اند و دنبال فعالیت کردن هستند ولی در جوامع مجازی دیگر خیلی اینطور نیست . اینکه در افسران تولید محتوا کردن یک ارزش محسوب میشه و اگر کسی محتوا تولید کنه خیلی‌ها ازش تشکر و تقدیر می‌کنند و مطلبش بیشتر دیده میشه اینها یعنی همون فرهنگ افسران . فرهنگ یعنی چیزهایی که در جامعه ارزشه . در افسران این چیزها خیلی ارزش هست و در جوامع دیگه اینقدر پررنگ نیست . به هر حال طی یک کار مفصل داریم مولفه هاشو استخراج می‌کنیم که ان شاء الله شاید بعدا بشه در قالب مقاله هم ارائه داد .

**آیا این عبارت «افسران قدیم ارزوست...» که هرچند وقت یکبار توسط کاربران گفته میشه به خاطر تغییر فرهنگ افسران هست ؟ آیا اصلا به افسران قدیم و جدید اعتقادی دارید ؟** بله ... اینکه به مرور زمان در هر جایی تغییرات بوجود میاد طبیعی و ناگزیرهست ولی اینکه افسران در قدیم وضعیتش بهتر بوده یا الان به نظرم خیلی نمیشه گفت چون اگر بخواهیم وضعیت رو تحلیل کنیم باید ۳۰ - ۴۰ مولفه رو همزمان در نظر بگیریم و این مولفه‌ها را نسبت به قبل مقایسه کنیم و ببینیم کدومش بهتره . من اعتقاد ندارم که در مجموع این ۳۰ - ۴۰ تا مولفه ، افسران ضرر کرده اما قطعا در برخی مولفه‌ها تنزل داشتیم این مولفه‌های فرهنگی که گفتم قبلا خیلی پررنگ تر بوده یک مدت کم رنگ شد ولی الان هم با تلاش کاربران خوب افسران و تا حدی تلاش‌های مدیریت دوباره داره پررنگ تر میشه . یکی از کارایی که در این موضوع داریم انجام

تحرك بیفتند و بیشتر محک خوردند و من انتظار داشتم بچه‌ها در مواجهه با اون خیلی بیشتر از اینها فعالیت داشته باشند و محتوا تولید کنند ولی آیا اگر اون کاربر می‌آمد و به ارزش‌های ما توهین می‌کرد و قانون افسران رو زیر پا می‌گذاشت ما بهش اجازه فعالیت میدادیم ؟ نخیر اجازه نمیدادیم . نکته بعدی هم اینه که خود کاربران سایت هم نباید در مواجهه با این نوع ورودی‌ها قانون رو زیر پا بگذارند که در اینصورت با اونها هم مطابق قوانین سایت برخورد خواهد شد و این به معنای حمایت از کاربر غیرمفکر نیست .

**وجود تفکر مخالف در افسران به بچه‌ها کمک می‌کنه و کسی که از بیرون آمد و افکار و حرفهای متفاوتی داشت رو نباید فوراً بیرونش کنیم و به این آدم تا وقتی به قانون افسران پایبند باشه اجازه حضور در سایت رو میدهیم**

**تعریف شما از عبارت «فرهنگ افسرانی» چیه ؟ اصلا چنین چیزی بطور خاص وجود داره؟**

یکی از نقاط ضعف ما اینه که در حوزه مدیریت رسانه اجتماعی دانش زیادی وجود نداره که این موضوع در ایران به صفر میل میکنه. اینو از جایگاه کسی که داره دکترای مدیریت رسانه می‌خونه و بطور تخصصی در رسانه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنه عرض می‌کنم . در دانشگاه ما هیچ دانشی در رابطه با مدیریت جوامع مجازی وجود نداره . من یک سری تحقیقات هم کردم متأسفانه چیزی که به درد مدیر جوامع مجازی بخوره در مباحث بین المللی هم نیست یا به ندرت پیدا میشه یعنی کلی منابع رسانه اجتماعی داریم ولی غالبا تحلیل خود رسانه‌های اجتماعی یا تاثیری که رسانه اجتماعی روی موضوع دیگر داره هست اما تعداد مقالاتی که برای مدیریت جوامع مجازی باشه از انگشتای دوتا دست هم کمتره !

یکی از سختی‌ها همینیه که باید خودمون در این فضا دانش تولید کنیم که الحمدلله یکی از کارهایی که شروع کردیم همین تولید دانش هست و سعی می‌کنیم که مکتوبش کنیم . این عبارت فرهنگ جوامع مجازی عبارتی هست





نظرم یکی از نقاط قوت افسران همین وجود رای منفی هست .

## گروه ها در سایت چه جایگاهی دارند ؟

یکی از نقاط قوت افسران گروه ها هست . الان گروه های خیلی خوبی در سایت داریم که در حال فعالیت هستند و اتفاقا ۸۰ - ۹۰ درصد اصل اون جنگ نرم هم در گروه ها داره اتفاق می افته . یکی از وظایف خودمون می دونیم گروه هایی که دارند خوب فعالیت می کنند رو بیشتر معرفی کنیم و به کاربران ارائه شون بدیم و کمکشون کنیم . بعضی گروه ها بودند که کمک خارج از افسران از ما خواستند که تا جایی که تونستیم برایشون انجام دادیم . برای معرفی کارهاشون هم کم نگذاشتیم چه به صورت شخصی و با کاربری خودم چه با ابزارهای مدیریتی که داریم . همه گروه ها خوب نیستند ولی بار اصلی افسران در جنگ نرم رو گروه ها متحمل میشن . تقریبا ۱۰ - ۱۵ گروه خوب در افسران داریم .

باید قدر کارایی که در افسران میشه را دانست مثلا یک چیزی مثل نشریه افسران را در هیچ شبکه اجتماعی داخلی ندیدم . نمیگم وجود نداره ولی من ندیدم حداقل . یک چیزی مثل رادیو افسران یک کار بسیار بسیار بزرگ و شاخصی هست که داره انجام میشه . اینکه برنامه رادیویی داره تولید میشه . ۱۰ - ۱۵ نفر که در جاهای مختلف کشور هستند باهم می نشینند و کار می کنند . نمایشنامه داره برنامه شون و از این بحثها .. باید قدر اینها رو بدونیم و اینها داره در گروه ها اتفاق میافته . گروه شفق و گروه فریم دو تا از بهترین گروه های افسران هست . کانون نویسندگان همینطور .. خنده حلال به نظرم کم فروغ شده . افسران گرافیست گروه خیلی خوبی هست فعالیت های خیلی خوبی درش انجام میشه .. گروه ترنج گروه خیلی خوبیه و داره فعالیت میکنه . به نظرم اصل اتفاق مورد نظر ما در این گروه ها می افته .

## امتیاز و شاخص فعالیت گروه ها با هر فرمولی که هست خیلی روی دیده شدن گروه های خاص تأثیری نداره آیا این ضعف افسران یا ضعف فعالیت گروه ها ؟

ببینید چندتا مسئله است : گروه هایی وجود دارند که یک سری آدم با عقاید شبیه هم دارند توش کار میکنند . اینها تونستند کلی آدم جمع کنند و باهم کار کنند ، این قوت مدیر اون گروه هست و این ایراد نداره . گروه هایی که گرایش های سیاسی مختلف دارند ، گروه هایی که روی یک موضوع تمرکز دارند

... اینها نقطه قوت هست و نقطه ضعف نیست . اما در ارائه گروه های برتر ، آمار ما کیفی نیست بلکه کمی هست . شاخص های ما می خواد بگه چه جامعه خوبی شکل گرفته .. تعداد آدمهاش چقدر هست .. تعامل این آدمها با همدیگه چقدر هست ... محتواهایی که میگذارند چقدر مورد قبول واقع میشه .. اما ما باید کاری کنیم که گروه های کیفی هم معرفی بشن . برای این کار ابزاری مثل گنجینه درست شده و مدیریش هم غالبا در اختیار مدیران همان گروههای کیفی است . خود ما هم با ابزارهای شخصی که در اختیار داریم سعی می کنیم این کار رو انجام بدیم . در این مرحله جا داره از تاسیس کانون نویسندگان هم تشکر کنم . گروه کانون نویسندگان که راه افتاد به نظرم تا همین الان تأثیر جدی داشته روی محتواهایی که تا قبلش ۵ یا ۱۰ تا رای داشت و رسیده به ۳۰ - ۴۰ تا رای . این خیلی اتفاق خوبیه . این محتواها جزء محتواهای غنی افسران هستند و جزء محتواهایی هستند که باید تولید و دیده شوند . ان شاء الله در تغییرات بعدی یک کمک جدی به این محتواهای تحلیلی خواهیم داشت تا بیشتر از این دیده شوند .

## باید قدر کارایی که در افسران میشه را دانست مثلا یک چیزی مثل نشریه افسران را در هیچ شبکه اجتماعی داخلی ندیدم

## چرا برای ممانعت از موازی کاری هیچ نظارتی روی تأیید گروه ها وجود نداره؟

در بحث گروه ها دوتا رویکرد وجود داره : رویکرد اول اینکه گروه ها رو خیلی سفت و سخت بگیریم و به این راحتی اجازه تاسیس گروه ندهیم که این کار معایب و هزینه های خودش رو داره . دوم اینکه اجازه بدیم گروه ها با هم فعالیت کنند ، رقابت کنند و هر گروهی که تونست بیشتر کار کنه ، موفق تر باشه . افسران شبکه اجتماعی هست و ما باید سعی کنیم تا جایی که میشه دخالت مدیریت به حداقل برسهو فقط در موارد ضروری صورت بگیره .

ببینید مثلا ممکنه یک گروهی خیلی خوب نباشه ولی کاربر دیگری می خواد با انگیزه بیشتر و دانش بیشتر گروهی مشابه اون گروه ایجاد کنه ما نمی تونیم به اون بگیم حتما برو تو گروه قبلی ! شاید اصلا اختلاف نظر جدی باهم داشته باشند .. پس اینکه مدیریت در این سطح بیاد دخالت کنه من اعتقاد ندارم . به

نظرم اگه گروه ها اون قوانین اصلی رو رعایت کنند و تخلف نداشته باشند اجازه فعالیت بهشون بدیم .

البته این مسئله هم هست که معمولا کاربران هنگام تشکیل گروه ، گروه های قبلی رو بررسی نمی کنند که ببینند چنین گروهی هست یا نه و این باعث میشه گروه های موازی تشکیل بشه .

## برای ساماندهی بخش برگزیده ها برنامه ای دارید ؟ چون معمولا با لینکهای نه چندان جالب پر میشه !

در بحث برگزیده ها با تغییر تعداد آرای لازم برای برگزیده شدن ما میتونیم مدیریتمون رو انجام بدیم . چند وقت پیش تغییراتی در «تعداد آرا برای برگزیده شدن» در افسران انجام دادیم که اتفاقا مقاومت شد ولی تقریبا اغلب افرادی که مقاومت کردند بعدا به این نتیجه رسیدند که تصمیم درستی بوده . یکی از سختی های کار در افسران این هست که هر کاری می کنید خیلی ها مقاومت می کنند . یک سری این گروه . یک سری آن گروه . با انگیزه های مختلف .

تغییر آرای برگزیده شدن تأثیر جدی داشت در این فضا و کار دیگری که باید بکنیم این هست که کاربرها را به رای دادنشون حساس کنیم . این خیلی مهمه . عرض کردم اصل اتفاق ها در افسران توسط کاربرهاست . ابزارهای مدیریت خیلی ابزارهای محدودی است . کاربران ابزارهای زیادی دارند که خوب استفاده نمی کنند و اگر از این ابزارها خوب استفاده کنند ۹۹ درصد مشکلات افسران بر طرف می شود . در بخش برگزیده ها کاربرها باید خیلی خوب و دقیق رای بدهند . این خوب رای دادن کمک می کند به اینکه چه محتوایی برگزیده شود و چه محتوایی برگزیده نشود . رای دادن به مطلب ، پیام به کاربر است که رفتارش رو تکرار کنه یا نکنه . رفتار او رو تقویت یا تضعیف می کنه . وقتی رفتار تقویت می شود بیشتر تکرار می شود و وقتی تضعیف می شود کمتر تکرار می شود .

## در مسئله رای دادن برای برگزیده شدن برخی از کاربرها هستند که لینک های سایت خود را می گذارند و کاربری های متعددی هم دارند که به وسیله آنها لینک رو برگزیده می کنند و در حاشیه امنی هم قرار گرفته اند . اینجا باید چه کار کرد؟

من یک نکته رو بگم که مسئله مولتی یوزر چند نکته منفی دارد . یکی اینکه کاربرها می گویند به ما منفی میدن ! اینجا مهمترین کار





## آیا میشه امیدوار بود که روزی مشکلات فنی سایت تموم بشه ؟

مشکلات فنی چندتا دلیل داره . یکیش محدودیت های زیرساختی هست یکی محدودیت های مالی بعلاوه دانش ما هم در بحث فنی محدود هست . این محدودیت هم لزوما برای ما نیست . خیلی از تیم های داخلی ( تقریبا همه تیم های داخل کشور ) این محدودیت رو دارند و تا جایی که میدونم فقط یک یا دو تا شبکه اجتماعی هستند که مشکلات فنی شون زیاد نیست . ما داریم دانشمون رو بالاتر می بریم و زیرساخت های مناسبی فراهم می کنیم .

## داریم تمام تلاشمون رو میکنیم که نرخ خطاها رو پایین بیاریم شما مطمئن باشید بزودی افسرانی که می بینید اوضاعش از امروز خیلی بهتر خواهد شد ولی اینکه این خطاها صفر بشه چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

در بهترین شبکه های اجتماعی هم اینطور نیست در فیسبوک و پلاس هم این مسائل رو داریم . این وعده رو به کاربران میدم که ان شاء الله در آینده نزدیک خدماتی رو ارائه خواهیم داد که از نظر کیفیت مباحث فنی قابل رقابت با شبکه های اجتماعی بین المللی باشد .

## پایان بخش اول

اگر می خواهید بدانید : چرا برخی مسئولین فعال در فضای مجازی به افسران نمی آیند ؟ محتوای خوب و برنامه مدیریت برای حمایت از محتواهای تولید شده چه هست ؟ چطور با شهید احمدی روشن آشنا شدند ؟ قرار افسرانی و اطلاعات مفید دیگر ...

## بخش دوم مصاحبه را در شماره بعد بخوانید

منفی داده ام. به عکس آقا یا محتوای خوب که منفی ندادم به نوع رفتار کاربر منفی داده ام. مطمئن باشید اگر در این موارد بی تفاوت باشیم و حتی مثبت بدیم بعدا دچار مشکل میشیم. در این فضا کاربرها باید وارد شوند و از فرهنگ افسران در مقابل فرهنگ های بیگانه حراست کنند.

بعضی هم از دسته بندی اشتباه برای برگزیده شدن سریع تر استفاده می کنند! اینها رو باید کاربران دقت کنند. الان روزانه ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ لینک وارد افسران می شود و ما آدمی نداریم که همه اینها رو بررسی کنه. نظارت باید سمت کاربرها برود. البته در بحث دسته بندی کار سختی هست. قبول دارم اینکه کاربرها چک کنند و بعد رای بدن ، کار سختی هست. اما نباید اینطور باشه که این اتفاق ها بیفته .

## عکس آقا رو می گذاره و می نویسه هر کی دوستش داره مثبت بده ! یا حتی «هر کی مثبت نده دستش بشکنه» !! در این موارد من حتما منفی داده ام

## اشاره کردید برای برخی از اقدامات با مقاومت کاربرها رو به رو شدین ، برخی از کاربرها انتظار دارن دیک سری از اقدامات با نظرسنجی انجام بشه . نظر شما چیه ؟

در حوزه تغییرات برخی از موارد کارشناسی ست. ما به کار کارشناسی اعتقاد داریم. پس در این زمینه ها ما حتما به نظر کارشناسان رجوع می کنیم. اما در برخی از زمینه ها موضوع اصلا کارشناسی نیست. بلکه سلیقه ایه. در این موارد می تونیم به فرض ، نظر کاربرها رو ارزیابی کنیم. این هم به معنی این نیست که رفاندوم بگذاریم!

می تونیم از ابزارهای مختلف نظر کاربرها رو ارزیابی کنیم. همانطور که تا الان بارها این کار رو کرده ایم. مطمئن باشید اگر برای همه کارهای افسران میخواستیم نظرسنجی داشته باشیم افسران دچار شکست می شد. چون کاربرهای مختلفی داریم : از ۱۶ ، ۱۷ ساله تا ۵۰ ساله. هر کدام از اینها در یک زمینه ای تخصص دارند. بنابراین نظری که در این فضا گرفته میشه نظر درست و دقیقی نیست. ما تاکید داریم تا جایی که میشه دنبال نظر کارشناس باشیم. بعد از این موارد ، جایی که مربوط به سلیقه شد به سراغ کاربرها می رویم.

اینه که حساسیت کاربرها به منفی پایین بیاد. منفی بخوردند مگه چه اتفاقی می افته؟ طوری می نویسنند منفی خوردیم که انگار گلوله خوردند! خود من در برهه هایی هر مطلبی می گذاشتم تعدادی کاربر منفی می دادند. من به اندازه یک هفته، دو هفته به این کار توجهی نکردم تا پشیمون شدند و ادامه ندادند.

## اینجا مهمترین کار اینه که حساسیت کاربرها به منفی پایین بیاد. طوری می نویسنند منفی خوردیم که انگار گلوله خوردند!!

پس اصل کار بی توجهی و گزارش دادن به مدیریت است. گزارش به مدیریت هم به معنی جار زدن و هوار زدن در سایت نیست. اگر این اتفاق رخ بده ۹۰ درصد کار حل شده است. یک بخش کار هم دست ما است. ما یا باید در ایجاد کاربری سخت بگیریم یا بعد بیاییم نظارت کنیم. نظارت بعد یعنی اول اتفاقی بیفته بعد ما اقدام کنیم. ما در منابع انسانی هم محدودیت داریم و نمی تونیم هر اتفاقی افتاد در مدت کوتاهی واکنش نشون بدیم. کاربرها باید صبرشون رو بیشتر کنند ما هم از این طرف کارمون رو انجام میدیم. نکته دیگه اینکه داریم برای کاربران مولتی یوزر سیستم جدیدی می نویسیم که دست ما رو خیلی باز می کنه . در این مسئله هم ما تاکید داریم اگر واقعا معلوم شد کاربر مولتی یوزر است برخورد کنیم نه براساس شک . اگر بخواهیم بر اساس شک عمل کنیم باید تعداد زیادی کاربر بسته شوند!

اما این بحث که کاربری های مولتی یوزر به خودشان رای می دهند، این سمت ماست و ما با سیستم جدیدمان خیلی راحت تر میتونیم عمل کنیم.

## آیا بالا رفتن عده رای برای برگزیده شدن لینک ها باعث تبلیغ های خارج از عرف در افسران نشده ؟

این کارها جزء فرهنگ افسران نیست. یکی از عواملی که فرهنگ فضای مجازی رو می سازه شبکه های اجتماعی دیگه هست. بالاخره نمی توان گفت کسی که قبلا فیس بوک بوده به افسران نیاد. این ها با همون نگاه می آیند و فعالیت می کنند. اونجا رفتارهایی متداول هست اما مطلوب ما نیست. مثلا عکس آقا رو می گذاره و می نویسه هر کی دوستش داره مثبت بده !! یا حتی «هر کی مثبت نده دستش بشکنه» !! در این موارد من حتما



## چند مسئله درباره روزه

### ۱. تزریق آمپول در حال روزه:

الف) تزریق هیچ نوع آمپول مبطل روزه نیست. آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری (ب) فقط آمپول تغذیه ای بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. آیات عظام: امام خمینی (ره)، مکارم، زنجانی (ج) باید از آمپول تغذیه ای اجتناب کند. آیت الله بهجت (ره)، آیت الله فاضل (ره) (د) آمپول تغذیه ای و تقویتی و آمپولی که در رگ تزریق میشود بنا بر احتیاط جایز نیست.

روزه ی آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.

۲. بعد از ظهر برسد: روزه اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد. \* توضیح المسائل، م، ۱۷۲۳، ۱۷۲۲، ۱۷۲۱، ۱۷۱۴ - در برگشت از سفر، رسیدن به حد ترخص، برای روزه اثری ندارد؛ بنابراین اگر پیش از ظهر به حد ترخص برسد ولی هنوز به وطن یا جایی که میخواهد ده روز بماند نرسیده ظهر شود، نمیتواند نیت روزه کند.

### سوال: سجده کردن در برابر ضریح چه حکمی دارد؟

ج: سجده کردن به عنوان عبادت و بندگی، فقط در مقابل خدا ممکن است؛ زیرا سجده نهایت خضوع است و مختص کسی است که در نهایت کبریا و عظمت باشد. اگر سجده برای غیر خدا باشد، معصیت و حرام است،

با این حال اگر سجده برای شکر و خضوع در برابر خدا باشد، مانند سجده ملائکه بر آدم علیه السلام و برادران یوسف علیه السلام بدون اشکال است.

سید کاظم یزدی سجده ی برخی از مردم نزد قبر ائمه معصوم علیهم السلام را اشکال می داند، مگر آنکه قصد آنان «سجده ی شکر باشد که موفق به زیارت شده اند.»

به فتوای برخی فقها چنین سجده شکر «اجر هم دارد.» امام خمینی در اینباره می نویسد: «سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام است و بعضی از مردم عوام که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می گذارند، اگر برای شکر خداوند باشد، اشکالی ندارد؛ وگرنه حرام است.» البته این سجده نباید به گونه ای باشد که در نظر سایر مردم، برای امام جلوه کند.

منبع: آداب زیارت/نوشته: محمدباقر پورامینی  
فرستنده: ghalandar

امام خامنه ای

س ۷۶۷: نظر شریف جناب عالی درباره تزریق آمپول و سایر تزریقات نسبت به روزه داران در ماه مبارک رمضان، چیست؟

ج: احتیاط واجب آن است که روزه دار از آمپول های مقوی یا مغذی و هر آمپولی که در رگ تزریق می شود و نیز انواع سرم ها خودداری کند، لکن آمپول های دارویی که در عضله تزریق می شود و نیز آمپول هایی که برای بی حس کردن به کار می رود، مانعی ندارد.

### ۲. حکم روزه مسافر:

الف) به سفر رفتن (آغاز سفر):

۱. قبل از ظهر به سفر می رود: وقتی به حد ترخص رسید، روزه اش باطل می شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند،

بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

۲. بعد از ظهر به مسافرت می رود: روزه اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.

ب) از سفر برگشتن (پایان سفر):

۱. قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد:

\* ۱. اگر کاری که روزه را باطل میکند، انجام نداده است؛ باید نیت روزه کرده و روزه ی آن روز را تمام کند و صحیح است.

\* ۲. اگر کاری که روزها را باطل کند انجام نداده است؛





سنگ صبور بی کسی من ، حبيب من  
شمس الشمس وادی طوس ای غریب من  
ای عشق من زیارت تو جای خود ولی  
کی می شود زیارت جدت نصیب من

یک عمر پای پنجره ات قفل ها زدم...  
با صد امید بر در این خانه آمدم  
عادت شده فقط ز تو حاجت طلب کنم  
این بار هم به حرمت سقا نکن ردم

ساقی رضا شود که مرا هم رضا کنی؟  
یک شب برای بی سر و پاها دعا کنی؟  
از آن نگاه های خدایی به من کنی  
یک کربلا برای دلم دست و پا کنی؟

من را رضا اگر نکنی گریه می کنم  
بر من دعا اگر نکنی گریه می کنم  
جان خودت که خسته شدم ، قسمت مرا  
کربولا اگر نکنی گریه می کنم

یک کربلا بده همه ی هستی ام بگیر  
یک کربلا بده به من اصلا بگو همبر  
یک کربلا بده طلبت بیشتر بکن...  
یک کربلا به راه خدا بر من فقیر...

آقا برای کربولا زار می زنم  
از فرط هجر کربولا جار می زنم  
این آخرین امید دل خسته ی من است  
دست طلب به نام علمدار می زنم

آقا تو را قسم به علمدار کربلا  
آقا به احترام سپهدار کربلا  
جان عمویان نکنی نا امیدمان  
ما را ببر به همبر زوار کربلا ...

شاعر : senator0011

آرام قدم بردار  
مراقب باش  
غبار قدم زائر بر زمین است  
سرفرو انداز و ببین  
پا نگذاری  
بر جای قدوم عطر آگین اش  
بال پرواز دارد  
و طواف می کند  
و تو دو چشم تر داری  
و نگاه می کنی!

\*  
إذن بگیر و روانه شو  
حواست باشد  
سنگ فرش مقدس اش  
مَقَدَم عباد صالح عصور است  
آسمانش مطاف ملائک است  
جای جای زمین اش  
مَهیَط عرشیان است  
بال گسترانیده اند  
و فرش کرده اند  
آیا تو پاک کرده ای؟  
آماده ای برای دیدار؟

\*  
غوغایی برپاست  
همه می ستانند از خان گرم  
تو نیز دل بگشا و بطلب  
از واسطه فیض تو نیز بخواه  
تا نشانت دهد  
حلقه اتصال زمین و آسمان کیست  
می دانم توجه ات به اوست  
یا به کاشی و آئینه و گچبری؟!  
حواست به هر کدام است  
از همو هم خواهی گرفت  
از آنها هیچ چیز  
و از او همه چیز...  
شاعر: Mahdiyar7



## آیت الله جوادی آملی دامه برکاته:

پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش کرده که برخی ذکرها را زیاد بگوییم. یکی از این اذکار دعای «الهی لاتکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء» و دیگری دعای «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» است. ما هر چه می کشیم از خودخواهی و غرور است. نفس ما امیری دارد که ما را به زشتی دعوت می کند ... عزل کردن این امیر و جایگزین کردن امیر خوبی جای آن، جان کندن می خواهد چون نوعی جنگ است مانند این که ما نظام سلطه را برداشتیم و نظام اسلامی را جایگزین آن کردیم. ما گرفتار یک نظام سلطه درونی هستیم لکن کسی را می خواهیم که آمار به حسن باشد و آن عقل و فطرت است. برای برداشتن این امیر به بدی و جایگزین کردن عقل و فطرت نیازمند جهاد هستیم که کار آسانی نیست برای همین در همه مراحل باید دعای «الهی لاتکلنی الی نفسی...» را زیاد بخوانیم. در مبارزه با نفس اگر تنها باشیم پیروز نخواهیم شد راز این که گفته اند «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» را زیاد بگویید همین است چون جهاد نفس دائمی است چرا که ما دشمنی داریم که معادل ندارد...

وقتی می گوییم یا مقلب القلوب و الابصار، این زیر و رو کردن نیاز به ابزار و مصالحی دارد که خداوند آن را به ما معرفی کرده است. خدا فرموده ما ساختار اولیه شما را با طهارت و طیب آفریدیم ولی شما آن را به هم زدید حال اگر می خواهید دوباره آن را برایتان بسازم مصالح لازم آن را که عبارت است از توبه، عبادت، خدمت به مردم و ... بیاورید.

این دعای «یا مقلب القلوب» اختصاصی به تحویل سال ندارد و در همه حالها و زمانها باید خوانده شود. ما در اطراف خودمان انسان بی دست و پا کم می بینیم ولی خدا می گوید انسانهای با دست و پا خیلی کم هستند چرا که دستی که نتواند خدمت کند، تولید علم کند و از دیگران دستگیری کند دست نیست. خداوند می گوید ابراهیم دارای دست است چون دستی که تبر به دست نگیرد و بت نشکند دست نیست. می فرماید ابراهیم چشم دارد چون با آن به توحید رسید. خدا با فراز «اولی الایدی و الابصار» از ابراهیم تعریف می کند و ما هم چنین اعضا و حوالی را از خدا می خواهیم.

afsarejavan





بی تماشای تو این شبها تماشا می شود  
غم میان سینه ام هر لحظه پیدا می شود

از تبار قدس اما، رنج و درد و خون و آه  
با چه احساسی شکستن ها تماشا می شود؟

جان میان آتش و تن ها به زیر انکسار  
پشت این تصویرها تشویش معنا می شود

غزه هر شب خون و جنگ است، و عرب  
در میان خواب ناز، و زخم دلها می شود

سازمانی که حقوقش را بشر نامیده اند  
در تن اجساد غزه، تیر رسوا می شود

زیر بمب باران، می لرزد هزاران قلب شیر  
آن طرف با زوزه ی گرگان تماشا می شود

مردم غزه در این شب ها چه «قدر»ی داشتند!  
گاه آنجا، با زبان روزه احیا می شود!

جای قران بر سرش یک آیه کودک می گذاشت  
ذکر این آیه «ربنا تقبل» هم مهیا می شود

آیه آیه سوختند و باز هم  
در میان قوم اسرائیل حاشا می شود

ای بشر تا کی تماشا می کنی؟  
یا تو نسیان می کنی، یا درد ادنی می شود

می رسد یک وعده ی شیرین افطار، «غزه» ام  
چون میان ندبه ها مردی تمنا می شود...